



ازگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۴
شنبه ۱۱ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۲۳ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

توطئه و تحریریات امریکا و پاکستان رادر سیستان و بلوچستان افشاوختی کنید

ایادی آنها، ایادی آمریکا، آن کسانی که منافقان در منطقه بخطر افتاده و بخصوص برای شملرض بکنم که ما رد پای بختیار را هم در این طرف دیدیم. (جمهوری اسلامی - ۴ آذر ۵۹).

چنانکه در بالا متذکر شدیم، رژیم دیکتاتوری پاکستان، بفرمان امریکا، در فعالیت‌های ضدانقلابی در بلوچستان و سیستان، که هدف قایل آن اجرای نقشه تجزیه قسمتی از خاک ایران، تشکیل باسلاخ یک دولت آزاد و استفاده از آن، بعنوان سرپلی برای براندازی رژیم انقلابی ایران است، نقش ویژه بازی میکند.

انتخاب رژیم وابسته و دیکتاتوری پاکستان برای ایفای این نقش ضدانقلابی بیچیزی تصادفی نیست. پاکستان مدتهاست که به یکی از مهمترین پایگاه‌های فعالیت خرابکارانه امپریالیسم امریکا و همپیمانان چینی آن علیه کشورهای منطقه تبدیل شده است. لذا، این خبر که صندوق بین‌المللی پول نیز تصمیم گرفته است که معادن یک میلیارد و شصت میلیون دلار وام به دولت پاکستان اعطاء کند، با وجود بیسابقه بودن رقم فوق، شگفت‌انگیز نیست. غیاب الحق این یک میلیارد و شصت میلیون دلار را در ازای خوش‌خدمتی دریافت میدارد، که رژیم ری در افغانستان، هندوستان و ایران برای اربابان امریکائیش انجام میدهد. چه، همه کس میدانند که صندوق بین‌المللی پول، با وجود عنوان

از نقشه براندازی انقلاب و جمهوری تویای ما برداشته است، بلکه همچنان-خشمگین از ناکامی مزدوران عراقیش و مسمم به پیشبرد هدفهای پلیدش- دسیسه‌های جدیدی را تدارک می‌بیند.

همانگونه که چندروز پیش نیز هشدار دادیم، چنین می‌نماید که اینک سیستان و بلوچستان جولانگاه ضدانقلابیون خارجی و داخلی شده‌است. برپایه اخبار رسیده از این منطقه، خان‌ها، قشودالها، ساراگرها، ماتوئیست‌ها و سران جمعیت‌های ضد-انقلابی افغانی، یا ککک جاسوسان عربستان سعودی و بویژه عمال دولت پاکستان، که سرخ‌رنگ همه آنها در دست امریکاست، دامنه فعالیت خود را گسترش داده‌اند.

آقای محمدی، استاندار سیستان و بلوچستان، پس از ملاقات با امام خمینی، گفت:

«استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق بسیار حساس است، و از طرفی ضدانقلاب نیز سعی بسیار کرده تا برنامه‌های در این منطقه اجرا کند... ما این را یک مسئله کوچکی تلقی نمی‌کنیم. من مطمئن هستم و یقیناً با اطلاعاتی که در اختیار دارم، می‌دانم این یک جزئی از برنامه کلی ضدانقلاب داخلی و خارجی است و مخصوصاً در این شرایط که سعی میکنند سر ما را در جای دیگر هم گرم نگه دارند، در این بین که دولت یعنی جانتکار عراق در غرب مشغول قلع و قمع است و بر روی مردم بی دفاع و بی‌گناه بمب می‌ریزد، اینجا هم

پس از شکست آشکار هدفهای سیاسی جنگ امریکافرونده دارودسته صدام‌چین علیه جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم امریکا بیچیزی دست

در ۲ روز گذشته:
رزمندگان انقلاب،
در تمام جبهه‌ها تلفات سنگینی به دشمن متجاوز وارد آوردند

صفحه ۲

جلوگیری از گرانی و احتکار

فقط با کوتاه کردن دست سرمایه‌داران وابسته، از راه اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی و تعاونی توزیع امکان پذیر است

کامی در یک هفته دورا بریم- شود، می‌پردازند.

ولی در مقابل این مردم زحمتکش و مستضعف، طبقات و اقشار سرمایه‌دار وابسته و بازرگانان بزرگ و محترکین و دلان و واسطه‌ها، در جنگ و فداکاری شرکت نمی‌کنند که هیچ، با سوء استفاده از مشکلات مولود جنگ، با تشدید احتکار و کمبود و گرانی، خون همان مردم فداکار را هم می‌کنند و برای خود میلیارد- میلیارد سود اضافی هم بدست می‌آورند.

سرمایه‌داران وابسته، بازرگانان بزرگ و دلانها واسطه‌ها و محترکین، که عوامل تشدیدکننده کمبود کالا و سرعت دهنده گرانی بوده‌اند و هستند، تاکنون ضربات سنگینی به اقتصاد کشور و زندگی زحمتکشان زده‌اند. آنها از جنگ تحمیلی هم سوء استفاده کرده‌اند و از جیب زحمتکشان، جیب خود را پرتر کرده‌اند. اگر این وضع ادامه یابد، یعنی دست این غارتگران کوتاه نشود، عواقب هلاکت-باری بدتبال خواهد داشت.

در این زمینه نیز، مانند همه زمینه‌های دیگر، انقلاب و ضد انقلاب، خلق و ضد خلق، اسلام راستین انقلابی و تظاهر دروغین به اسلام، یا صراحت و روشنی هر چه بیشتری از هم متمایز شده‌اند: مردم زحمتکش و مستضعف، یعنی وارثان اصلی زمین و صاحبان حقیقی این خاک و بوم، هم در سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان برکف نشسته‌اند و هستی خود را فدای استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی ایران می‌کنند و هم در پشت جبهه همه مشکلات را بزرگوارانه تحمل می‌نمایند و از آنجمله قیمت احتکاری ضمنی کالاهای ضروری زندگی را، که

سفیر لیبی در ایران:
ما با تمام قوا از انقلاب ایران جانبداری میکنیم و تمام امکانات خود را در اختیار این انقلاب قرار میدهیم

بقیه در صفحه ۲

به حمایت از روحانیت مبارز

بازاریان تهران، مشهد و قم بازارها را تعطیل کردند

بازاریان شهرهای مختلف انزجار خود را از «خط مقابل» خط امام اعلام داشتند.

کرده بودند، ابراز داشتند. تظاهر کنندگان با شعارهای کوبنده خود «خط مقابل» خط امام را به شدت محکوم کردند.

مشهد

صبح دیروز در مشهد نیز بازار رضا و قسمت اعظم بازار خسروی این شهر بحال تعطیل درآمد و علت تعطیل، محکوم کردن گروههای مقابل خط امام اعلام شد. بقیه در صفحه ۲

دیروز صبح بازاریان شهرهای تهران، قم و مشهد به حمایت از روحانیت مبارز و مشهد به برای محکوم کردن تلاشهایی که برای تضعیف خط امام می‌شود، اقدام به تعطیل بازارها و برپائی رزم پیمانی و تظاهرات کردند. در قم، همراه با بازاریان این شهر، از اولین ساعات پاسداد دیروز صبح، در حالیکه شهر قم یکپارچه تعطیل بود، دست به راهپیمائی باشکوهی زدند و در

امریکا برای نپذیرفتن پیشنهاد ایران درباره «گروگانها» بهانه تراشی میکند

جاسوسان در ایران را بیک مسئله عظیم بین‌المللی میدرکند، تاکنون نه فقط عجله‌ای در بازرس گرفتن آنها ندارد، بلکه هر روز بهانه‌های می‌تراشد و موضوع را به تاخیر می‌اندازد. یک روز ماسکی وزیر خارجه امریکا میگوید: «هنوز بسیاری از مسائل باید روشن شوند». در- بقیه در صفحه ۲

پیشنهاد ۴ ماده‌ای کمیسیون ویژه بررسی مسئله جاسوسان امریکائی از سوی مجلس شورای اسلامی ایران میگردد. فردای روز تصویب نیز این پیشنهاد توسط سفارت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر در واشنگتن به وزارت خارجه امریکا تسلیم شد. اما دولت امریکا که تلاش فراوانی داشت مسئله «گروگانگیری»

آدم است و نتیجتاً مردم به این قضاوت بنشینند که آیا گروگان-گیری برای ما اقتدار هستی داشت که ما این چنین تلفات و صدماتی بدیهی و این خط امریکاست... امریکا برای ۵۰ انسان نیست که دست به توطئه علیه ما می-زند، بلکه ما با امریکا تصاد اصلی و غیرقابل حل داریم». نزدیک به یک ماه از تصویب

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، حاجت‌الاسلام موسوی خوینی‌ها، در مصاحبه با روزنامه اطلاعات متذکر شد: «این از شیفته‌های خون آمریکاست که میخواهد با تبلیغات در ایران توسط ستون پنجم خود، به مردم بگوید تمام این مشکلاتی که شما درگیر هستید از جانب همین پنجاه نفر

بسیار دوست داشتیم که شما هم زهرا را میدیدید که با از دست دادن ۱۲ تن از عزیزان خود، چگونه با ۳- در برابر تویهای دشمن، اندام را راست میکرد و میگفت:

«۱۳ کشته‌ام. برادر میخواست عروسی کند، او هم کشته شد. تنها یک خواهر ۴ ساله زنده است. آنهم مهم نیست. من حاضر نیستم شهرم را بدست دشمن رها کنم»

(از نامه دختران عضو حزب توده ایران در خویین شهر و آبادان، مندرج در نامه مردم ۳۰ آبان ۱۳۵۹)

احسان طبری

نامه‌ای به زهرا

دختر ایران، زهرا! ز پیامی که رسید لرزه افتاد بجان همه هم‌زمانت. خاندان تو گر امروز فتادند شهید جمعی آماده که گردند بلاگردانت.

که پرستاری، که یار یتیمی، که نیز ۳- بر دوش بهر زنی و نمائی عاطل. آفرین بر تو که جنگنده‌ای و خصم ستیز در خط اول این جبهه حق و باطل.

بهرها یابی فردا ز سیاس همگان اگر امروز ز آسوده دلی بی‌بهری، به تو ای دخت کند فقر سراسر ایران گر به آبادان، یا اینکه به خویین شهری

تو همانی که ز نیرو و غروری که تورا ست باسارت بهمه هستی خود تن ندی. رنج سترگشتی و پشت به هیجا نکتی جان شیرین دهی و شهر به دشمن ندی.

گر برادر نتوانست که داماد شود فتح ایران چو عروسی است که زبینه اوست. خواهر کوچک تو توکل در دانه ماست دل ما روشن از اختر تابنده اوست

رزم کن زهرا، ای لاله پر داغ جنوب دیدگان همه در ماتم تو خونپالاست نامت الحق چه غرور آور و زیبا نامی است نام هر دختر رزمنده ایران زهراست

آبان ۵۹

یک مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد مردم

در ۲ روز گذشته:

رزمندگان انقلاب، در تمام جبهه‌ها تلفات سنگینی به دشمن متجاوز وارد آوردند

خبرگزاری یازس در تماس با یک مقام آگاه نظامی اهواز گزارش داد که روز یکشنبه رزمندگان هوانیروز، توپخانه و یگانهای لشکر ۹۲ زرهی اهواز در جبهه‌های فارس، آذربایجان، سنجان، سوسنگرد و کوهپایه‌ها موفق شدند تلفات فراوانی به دشمن وارد سازند. در این عملیات ۸ دستگاه تانک، ۱ دستگاه نفربر، ۳ عمده توپ، یک خودرو، دو سنگر و یک لودر دشمن نابود شد و ۳۷ تن از متجاوزین کشته و مجروح شدند. واحد مرکزی خبر از اهواز گزارش داد که جانیکاران صدام مناطق مسکونی شهر اهواز را از ساعت ۱۵ تا ۱۷ یکشنبه مورد حمله قرار دادند که در نتیجه ۱ تن از اهالی اهواز شهید شد و ۵ تن دیگر مجروح شدند. دفتر مرکزی خبر، به نقل از ستاد عملیات آبادان و خوزستان، اعلام کرد که از صبح یکشنبه تا ساعت ۲۳:۲۰ دقیقه، نبرد توپخانه بین ارتش جمهوری اسلامی ایران و متجاوزین در شمال شرقی پل بهمنشیر - پل ارتباطی خوزستان - آبادان - داشته است. بر اساس همین گزارش در اثر حملات گشتی‌های مدافع انقلاب، تلفات سنگینی به دشمن وارد شد. در این درگیریها

۴ تن از برادران پاسدار مجروح شدند. خبرگزاری فارس موقتاً این جبهه‌ها را در روز یکشنبه چنین گزارش داد: مبادله آتش در طول جبهه‌های آبادان به شدت ادامه داشت و شدت این درگیریها در جبهه‌های غرب و فیاضیه از سایر مناطق شدیدتر بوده است. در منطقه شمال غربی ۳ سنگر دشمن یا نفرات آن نابود شد و همچنین مزدوران صدام در محور جاده آبادان - ماهشیر حالت تدافعی بخود گرفتند که ناشی از ضعف شدید آنان بوده است. گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس حاکیست که مبادله آتش بین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در بخش شرقی خوزستان و متجاوزین مستقر در قسمت غربی به شدت جریان داشته، که طی آن تلفاتی به مزدوران صدام وارد شده است. به گزارش خبرگزاری فارس در روز یکشنبه در جبهه‌های آبادان و خوزستان ۳ تن از مدافعان انقلاب شهید و بیش از ۲۰ تن زخمی شدند. خبرنگار خبرگزاری فارس از جبهه ایلام، از خط مقدم جبهه، در ارتفاعات شورشین و نخلستان گزارش داد که نبرد میان مدافعان انقلاب و متجاوزین از ساعت ۳

آمریکابرای...

بقیه از صفحه ۱
بموردیکه پیشنهاد ۴ ماده‌ای ایران بسیار سریع و روشن است: تعدد حالات متقیم و غیر متقیم سیاسی و نظامی در امور ایران خواستی است کاملاً روشن و قاطع برای امیرالیسم تجارزکار آمریکا، که دخالت در امور دیگران جزء سرشت آنست، می‌تواند بهانه‌ای جهت کش دادن موضوع باشد و یا آزاد گذاشتن اموال و داراییهای ایران، نفو تصمیات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه ایران، بازپس دادن اموال غارت شده توسط شاه ملعون و وابستگانش به ایران، همه بسیار روشن است. در مقابل قاطعیت توده‌های مردم و رهبر انقلاب در تصمیم به قطع ریشه‌های سلطه امپریالیسم و تأمین استقلال و آزادی واقعی کشور، مقامات دولتی آمریکا و نمایان آنها امپریالیسم خبری، می‌گویند که گویا، در اصول یا پیشندهای ایران مخالفت ندارند. اما... از نظر قوانین آمریکا گویا «موانع حقوقی» در سر راه اجرای بعضی از مواد چهارگانه وجود دارد در صورتیکه اگر موافق هم وجود داشته باشند، در اکثر تصمیات و اقدامات دولت آمریکا علیه ایران است و قطعاً با تصمیم و اقدام دولت آمریکا هم‌توانند از میان برداشته شود. رسانه‌های گروهی و مطبوعات امریکائی کار را باجائی رسانده‌اند که مسئله تحویل یا عدم تحویل جاسوسهای «گروگان» از جانب

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به دولت جمهوری اسلامی ایران را به بخت و گفتگو گذاشته‌اند، یعنی مسئله‌ایکه مستقیماً مربوط به مقامات دولتی و مسئول این کشور است و هیچ ربطی به دولت آمریکا ندارد. اگر دولت آمریکا پیشنهادهای ایران را بپذیرد اجرا گذارد، چنانکه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران به دفاتر متذکر شده‌اند، هنوز هم جاسوسهای «گروگان» آزاد خواهند شد. برای مردم بیدار دل و رزمنده ایران هیچگاه تردیدی وجود نداشته است که «امپریالیسم آمریکا ایران را می‌خواهد، نه گروگانها» و واقعات سرسخت زندگی، تلاشهای هواداران و مجریان «خط برزینسکی» در ایران را هر روز بیشتر و ترس و رسوا میکند. اسناد فراوان، از جمله اعترافات صریح سفیر آمریکا در ایران سولیوان، نشاندهنده که امپریالیسم آمریکا مدتها پیش از «گروگان» گریه به طرح و اجرای توطئه‌های گسترده‌ای علیه انقلاب ایران دست زده بود. هر چه روند تداوم انقلاب در جبهات ضد امپریالیستی و خلقی خود بیشتر رفت، بهمان اندازه نیز توطئه‌های امپریالیسم، یسر کردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب گسترده‌تر، و قبحانه‌تر و شدیدتر شد، تا به تجاوز نظامی رژیم مزدور صدام تکریتی منجر گردید. سایب رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت‌الاسلام موسوی خوینی‌ها، بدرستی این موضوع را روشن کرد که: «روشن رطی به گروگان» گیری ندارد و این جنگ تعمیلی به امریکا ارتباط دارد، چرا که اوست که عراق را تحریک میکند و هم او نیز منافع این جنگ را می‌برد... چطور ۶۵ هزار شهید که در ایران کشته شدند برای آمریکا ارزشی نداشته؟ چگونه چندین هزار آمریکائی را دولت امریکا در ویتنام بکشتن داد؟ پس معلوم است گروگانها هیچ ارزشی از نظر انسانی برای آمریکا ندارند و اگر ما گروگانگیری نکرده بودیم، اما موضع ما همان موضع امام باشد که توی ده‌ها آمریکا مرزنده مسلماً آمریکا علیه ما توطئه میکرد، بنابراین جنگ و گروگانگیری رطی به هم ندارند و گمانیکه می‌خواهند این دو مساله را بهم ربط دهند درست در خط آمریکا هستند... آنها کسانی هستند که می‌خواهند واقعتاً مطرح نشوند و غیر واقعتاً مطرح باشند. امریالیست که ماهیت این انقلاب آمریکا را وادار به تحریک علیه آن کرده است.»

بهافته‌های کنونی دولت آمریکا، به درازا کشیدن مسئله، عدم پذیرش پیشنهاد چهارماده‌ای ایران، همه و همه بار دیگر صحت این ارزیابی و درستی تصورات توده‌های مردم ایران را ده‌گوشه «گروگانگیری» آشکار کرد. این عمل دولت امریکابرای کسانیکه با حسن نیت آزادی سریع «گروگانها» را خواستار بودند نیز در نیات پلید امپریالیسم آمریکا و نقشه‌های دراز مدت توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران شکی باقی نمی‌گذارد. همه می‌بینند که امریکا ایران را می‌خواهد، نه گروگانها را. و کسیکه استقلال و آزادی ایران را بخواهد، نمی‌تواند راسماًشیر یا امپریالیسم آمریکا را در پیش گیرد.

آری، ما باید يك خبرگزاری اسلامی بوجود آوریم. از اینجا من به تمام ملل اسلامی پیشنهاد میکنم که دستگاههای تبلیغاتی را از اشکار استعمارگران غربی بیرون آورند و برای خود يك خبرگزاری جهانی تاسیس کنند. خبرگزاریهای خارجی به انحاء گوناگون علیه ما توطئه میکنند. مثلاً گاهی سکوت اختیار میکنند، چون در این حالت پخش خبر بنفع آنها نیست. گاهی دیگر اخبار را قادرست پخش میکنند، زیرا اگر بی‌گم و کسر خبر را منتشر کنند، لطمه می‌بینند. از باب مثال خبر گزیریهای غربی فقط اصل ۱۰ کنفرانس بررسی مذاکلات آمریکا در تهران را مخایره کردند که خواهان حل مشکلات آمریکا و ایران از راه‌های دیپلماتیک است و به بقیه اصلها که آمریکا را محکوم کرده است، اشاره‌ای نکرده‌اند. سفیر لیبی در مورد توطئه «سیاه» علیه لیبی، تحت عنوان «ماجرای امام موسی صدر» گفت: «قبل از هر چیز باید بگویم که امام موسی صدر نه دشمن ما بود و نه رقیب سیاسی ما. بنابراین از ربوبن و مخفی کردن او هیچ سودی برای ما حاصل نمیشود. می‌رسید چرا باید ما موسی صدر را مخفی کنیم یا بکشیم؟ مگر او دست راستی بود که بخوایم از شرش راحت شویم؟ می‌گویند پولی یا داده بودیم که به فلسطینیا بدهد، و چون این پول را به آنها نداده، ما او را از بین برده‌ایم! می‌گویند پولی داده بودیم برای جنوب لبنان، که بمصرف برساند، اما اینکار را نکرد، این حرفها اهانت است برای امام صدر. سپس گفتند که امام مخالف کتاب سین ما بود، از اینرو او را تصفیه کردیم. مگر ما نیاز به پشتیبانی او داشتیم! استدلال میکنند که ۱۲ زندانی اروپائی امام موسی صدر را در زندان لیبی دیدماند. مگر در ۱۷۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع زندان کم داریم که امام را با خارجیان زندانی کنیم! بنابراین همه استدلالهای آنها احفانه است و هرگز نمیتوانند کوچکترین مدرکی دال بر مسئولیت دولت لیبی در اختفای امام موسی ارائه دهند...»

ما مسئله امام صدر را به دادگستری ایتالیا ارجاع کردیم. دادگستری ایتالیا تأیید کرد که امام از لیبی خارج شده است. در مقابل این تأیید، آنها گفتند که ما دادگستری ایتالیا را زیر فشار و زور قرار داده‌ایم. بنابراین مسئله اختفای امام موسی نیست، مسئله فقط محکوم کردن لیبی است. از سفیر لیبی پرسیده شد: «در باره فلسطین، اگر دو گروه مبارزه یکی کمونیست و دیگری اسلامی باشند، شما ترجیح میدید، بکدام يك کمک کنید؟» از همه بدون استثناء پشتیبانی میکنم. ما تنها کشور عربی بودیم که هرگز از پشت به فلسطینیا خنجر نزدیم. «

ما با تمام قوا از انقلاب ایران جانبداری می‌کنیم و تمام امکانات خود را در اختیار این انقلاب قرار میدهیم

لیبی موافق انقلاب پیشرو در افغانستان است
گرفتاری ما مسلمانان اینستکه اخبار و اطلاعات خود را از خبرگزاریهای استعماری میگیریم

آری، ما باید يك خبرگزاری اسلامی بوجود آوریم. از اینجا من به تمام ملل اسلامی پیشنهاد میکنم که دستگاههای تبلیغاتی را از اشکار استعمارگران غربی بیرون آورند و برای خود يك خبرگزاری جهانی تاسیس کنند. خبرگزاریهای خارجی به انحاء گوناگون علیه ما توطئه میکنند. مثلاً گاهی سکوت اختیار میکنند، چون در این حالت پخش خبر بنفع آنها نیست. گاهی دیگر اخبار را قادرست پخش میکنند، زیرا اگر بی‌گم و کسر خبر را منتشر کنند، لطمه می‌بینند. از باب مثال خبر گزیریهای غربی فقط اصل ۱۰ کنفرانس بررسی مذاکلات آمریکا در تهران را مخایره کردند که خواهان حل مشکلات آمریکا و ایران از راه‌های دیپلماتیک است و به بقیه اصلها که آمریکا را محکوم کرده است، اشاره‌ای نکرده‌اند. سفیر لیبی در مورد توطئه «سیاه» علیه لیبی، تحت عنوان «ماجرای امام موسی صدر» گفت: «قبل از هر چیز باید بگویم که امام موسی صدر نه دشمن ما بود و نه رقیب سیاسی ما. بنابراین از ربوبن و مخفی کردن او هیچ سودی برای ما حاصل نمیشود. می‌رسید چرا باید ما موسی صدر را مخفی کنیم یا بکشیم؟ مگر او دست راستی بود که بخوایم از شرش راحت شویم؟ می‌گویند پولی یا داده بودیم که به فلسطینیا بدهد، و چون این پول را به آنها نداده، ما او را از بین برده‌ایم! می‌گویند پولی داده بودیم برای جنوب لبنان، که بمصرف برساند، اما اینکار را نکرد، این حرفها اهانت است برای امام صدر. سپس گفتند که امام مخالف کتاب سین ما بود، از اینرو او را تصفیه کردیم. مگر ما نیاز به پشتیبانی او داشتیم! استدلال میکنند که ۱۲ زندانی اروپائی امام موسی صدر را در زندان لیبی دیدماند. مگر در ۱۷۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع زندان کم داریم که امام را با خارجیان زندانی کنیم! بنابراین همه استدلالهای آنها احفانه است و هرگز نمیتوانند کوچکترین مدرکی دال بر مسئولیت دولت لیبی در اختفای امام موسی ارائه دهند...»

سعد معیر، اولین سفیر اتحاد جماهیر لیبی در ایران، در گفت و گوئی اختصاصی با خبرنگار سرویس سیاسی کیهان (۵۹۹۹) نظر نظرهای دولت متبوع خود را در مورد مسائل مختلف بیان داشته است. «معیر» طی این گفتگو که مدتی پیش و هزمان با سالروز انقلاب این کشور صورت گرفته، تلاش کرده است تا چگونگی اداره این کشور و مسائل مختلف درگیر با آن را بیان کند. سفیر لیبی در ایران در پاسخ سؤال خبرنگار درباره موضوع لیبی نسبت به جنبش فلسطین و عراق و افغانستان، گفت: «در باره فلسطین باید بگویم که ما به هر کسی که واقعا می‌چنکد و میخواهد سراسر فلسطین اشغال شده را از وجود صهیونیسم پاک کند، کمک میدهیم و صد درصد پشتیبانی می‌کنیم، ولو اینکه این شخص، موشه دایان باشد. اگر امروز موشه دایان اعلام کند که از صهیونیسم تبری جسته، ما از او حمایت میکنیم. وانگهی جورج حبش و نایف حوافه دارند می‌چنکند و بعقیده ما آنها بر انور سادات خان، که پرچم اسرائیل را، که بالاتر از مناره‌های قاهره قرار گرفته، در قلب اسلام باهراز در آورده، شرف دارند. در مورد عراق ما عقیده داریم که دیکتاتوری محکوم به فناست. ما هرگز حکومتهای دیکتاتوری را تأیید نکرده و نمی‌کنیم. عمل دولت عراق در اخراج مسلمانان از دیارشان، عمل غیر انسانی است. در باره افغانستان هم ما گفته‌ایم که صد درصد از اسلام در افغانستان تأیید می‌کنیم، ولی نه اسلام «دبانی» و «مجددی». من نه بعنوان سفیر، بلکه يك فرد مسلمان هرگز حاضر نیستم تحت لوای این افراد بی‌چشم. من آنها را بخوبی می‌شناسم و میدانم آنها نماینده چه قدرتهائی هستند. «کنگره خلق لیبی در تصمیمی، بعد از دیدار وزیر خارجه افغانستان، اعلام کرد که لیبی طرفدار اسلام در افغانستان و موافق انقلاب پیشرو در این کشور و مخالف فتوالایته و سرمایه‌داری در افغانستان است و نیز موافق بیطرفی افغانستان است. ما موافق آن هستیم که ملت افغانستان سرنوشت خود را بدمست خویش تعیین کند.» سفیر لیبی در مورد انقلاب ایران گفت: «ما با تمام قوا از آن جانبداری می‌کنیم و تمام امکانات خود را در اختیار این انقلاب قرار میدهیم.»

سعد معیر در مورد تأثیر سوء تبلیغات امپریالیستی بر مردم و دولتهای شرقی، گفت: «گرفتاری ما مسلمانان اینست که اخبار و اطلاعات خود را از خبرگزاریهای استعماری میگیریم. دولت آمریکا دشمن شماره يك ماست. این کشور فاجعه فلسطینی را بوجود آورد و تا امروز نیز انواع جنایتها را در حق تمام مسلمانان و اعراب روا میدارد.»

توطئه و تحریکات...

بقیه از صفحه ۱
برطسراطی خود، جز ابزار استریت نیست. اواخر مرداد ماه اساله، خبرگزاریها، بنقل از يك سخنگوی «بانک آمریکا»، گزارش داده که دولت پاکستان، بموجب موافقتنامه‌ای که در لندن امضاء کرده، مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار از بانک‌های امپریالیستی وام دریافت خواهد داشت... خبرگزاری یازس در آنتیکام این مبلغ را «توطئه ترین کمک مالی» خوانده، که تا آنوقت در اختیار پاکستان قرار گرفته بود. وام صندوق بین‌المللی پول، که هشت برابر «وام لندن» است، بر اهیت فزاینده‌ای دلالت میکند که امپریالیسم آمریکا و دیگر دستیاران تجارزکارش برای نقش‌خراپکارانه رژیم ضیاعالحق در منطقه قاتل هستند. رژیم پاکستان ماهیاست که جنگ اعلام تشده‌ای را علیه جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان آغاز کرده است و با تعلیم و تجهیز اشراز ضد انقلابی افغانستان، در راه پیشبرد نقشه‌های «پتاکون»، مینیر براندازی رژیم انقلابی آن کشور، گام می‌گذارد. «کتاب سبز» دولت افغانستان، که چند روز پیش بعنوان سند رسمی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد منتشر شده، حاوی صدها عکس و سند، زنده از مداخله امپریالیسم آمریکا و ایادی آن در منطقه و برتری‌طلبان چین است. در این کتاب بویژه نشان داده میشود که چگونه باند‌های افغانی در پاکستان آموزش می‌بینند و به افغانستان اعزام میگردند. پاکستان در ناآرامیهای اخیر «تجزی‌طلبان» در هندوستان هیاز ماثوئیت‌های چین بوده است و همچنان حضور نظامی خود را در مرزهای هندوستان افزایش میدهد. در سفری که ضیاعالحق در اواسط مهرماه اساله به ایالات متحده کرد، پس از ملاقات با جیمی کارتر، رئیس جمهوری آمریکا، تصدیقات نظامی آن کشور را در قبال پاکستان، بویژه در چارچوب قرارداد دوجانبه نظامی میان آمریکا و پاکستان، خاطر نشان ساخت. آمریکا، پس از پیروزی انقلاب ایران و از دست دادن ایستگاههای مراقبت نظامی خود در بلوچستان ایران، در خاک پاکستان و در نزدیکی تنگه هرمز به ایجاد ایستگاههای جدید دست زد. هر قدر وابستگی رژیم ضیاعالحق به امپریالیسم آمریکا و بویژه نقش خراپکارانه آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عیان‌تر می‌شود، ایضاد زیانهای سهمگینی نیز که سیاست خارجی دولت موقت و وزیران خارجه لیبیرال پس از آن، بروجه و کاربرد امکانات بین‌المللی انقلاب ما وارد آورده، آشکارتر میگردد. چنانکه میدانیم، یکی از نمونه‌های بارز این سیاست لوث مرزبندی میان دوستان و دشمنان ایران، هم‌تنینی و هم‌گویی با سرسرمیده آمریکایی چون ضیاعالحق، زیر نام «اسلام» و «کنفرانس اسلامی» بود. هنوز این گفته وزیران خارجه لیبیرال را بیاد داریم، که یکی اظهار میداشت: «من اعتقاد ندارم که پاکستان کاملاً وابسته به آمریکاست.» و دیگری می‌گفت: «پاکستان کشور مستقر است و برنامه‌های آنها در چارچوب معیارها و مصالح کشور خودمان میباشد. هر برنامه‌ای که منافع پاکستان را تأمین کند مورد تأیید ما نیز می‌باشد» خوشبختانه روند تصیق انقلاب، نقش‌خراپکارانه لیبیرالها را در زمینه سیاست خارجی نیز آشکار ساخت. گرایش‌های کنونی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از جمله شناخت بهتر دوستان و دشمنان بین‌المللی انقلاب، بویژه در منطقه، این امید را برمی‌انگیزد که مریدان دایزانی، ضیاعالحق دیگر نتوانند به اصولیت و کارایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد آورند. از این که بگذریم، بیش از پیش باید درباره فعالیت ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان، بویژه تحریکات رژیم ضیاعالحق - که در شمسیر آن آمریکا قرار دارد - در این منطقه هشیار بود. تجربه تحریکات و توطئه‌های رژیم صدام در کردستان و خوزستان، که سرانجام به تجاوز نظامی این رژیم جانیکار به ایران منجر شد، میباید مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را به اتخاذ تدابیر فوری و جدی و قطع برای خنثی کردن تحریکات و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و پاکستان در سیستان و بلوچستان برانگیزد.

کروه از بازاریان سبب پیوستی روزنامه اطلاعات رفتند و در جلوی آن قطنامه ۲ ماده‌ای را قرائت کردند.

رامیمایان تا جلوی مسجد ارک به حرکت خود ادامه دادند. در این محل حاج سیدتی خاموشی برای آنان سخنرانی کرد. این

همچنین عده‌ای از بازاریان تهران، ضمن يك راه پیمائی شمار می‌دادند: «روحانی خط امام، بر تو درود بر تو سلام» و نیز «روحانیت هر زنده، ملی‌گرا» می‌رزند.

بیان داشتند. یکی از بازاریان تهران ملت تطیل بازار را سخنان تفرقه‌انگیز اخیر، که در مسجد ارک مطرح شده بود و نیز مسائل مشهد اعلام کردند.

به پشتیبانی از روحانیت مبارز و تطیل بازار قم و مشهد تطیل شد. عده‌ای از بازاریان در محل مسجد امام خینی اجتماع کردند و درباره ملت تطیل بازار سخنانی

به حمایت از...
بقیه از صفحه ۱
تهران
صبح دیروز بازار تهران نیز

از فتوادیسیم و پیدرسالاری پسوی موسیالیسم

تا همین چند سال پیش، لااوس به عنوان کشور "پادشاهی میلیون هانبل و چتر آفتابی سفید" معروف بود. واقعا هم مشکل می شد برای این کشور که در آن مناسبات فتوادالی پیدرسالاری حکمفرما بود. صفات بارز دیگری یافت. تاریخ نویسان عادت کرده بودند که گذشت زمان را در لااوس با واحد دهه و یا حتی سده بسنجند. لیکن امروز جمهوری دموکراتیک خلق لااوس در صدد است که با جهش از مرحله سرمایه داری، بنیاد های جامعه های سوسیالیستی را بی ریزد.

مردم لااوس برای بازسازی و توسعه اقتصاد کشور خود اولویتی خاص قائل هستند. در کشاورزی این کشور مدت ها است که جنبش وسیع تعاونی آغاز شده است. این جنبش در حدود ۲۸۰ واحد کشاورزی، یعنی یک چهارم دهقانان لااوس، را در بر می گیرد. علی رغم شرایط نامساعد جوی خشکالی و یا سهل، در سال های پیش، تولید کشاورزی سال به سال افزایش یافته است.

در صنعت، دولت بویژه می گوشت تا بخش همگانی را گسترش دهد. این بخش اکنون ۵۰۰ موسسه صنعتی را شامل می شود. از سوی دیگر، حکومت خلقی، با ایجاد شرکت های مختلط و تسویه بخش خصوصی، در راه توسعه همه جانبه اقتصاد ملی کام بر می دارد.

برای نخستین بار در تاریخ لااوس، اقتصاد آن کشور بر پایه برنامه واحد علی رهبری خواهد شد. اقتصاددانان و دیگر کارشناسان لااوسی اینک مشغول تدوین اولین برنامه پنج ساله جمهوری دموکراتیک خلق لااوس هستند.

بیست و پنجمین سالگرد تأسیس «حزب انقلابی خلق لااوس»

بیست و پنجمین سالگرد تأسیس، که مردم لااوس را به سوی پیشرفت اجتماعی رهبری می کند، حزب انقلابی خلق لااوس نام دارد. که دوم فروردین سال جاری بیست و پنجمین سال تأسیس خود را جشن گرفت.

اما تاریخ حزب برادر در لااوس، در واقع، در سال ۱۳۰۹ آغاز گشت. در آن هنگام، در هندوچین

که تحت استعمار فرانسه بسر می برد، زیر تاثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر، نخستین گروه های مارکسیستی پدید شدند و چندی بعد، به رهبری هوشی مین، حزب کمونیست هندوچین را تشکیل دادند. کمیته ایالتی لااوس در سال ۱۳۱۳ کار خویش را آغاز کرد.

پیکار جاننازانه خلق های ویتنام، لااوس و کامبوجیا علیه استعمارگران فرانسوی و اشغالگران ژاپنی، در سال ۱۳۲۴ به دگرگونی های بنیادی در منطقه منجر شد. در تاریخ ۱۱ شهریور ۲۰ مه این سال، به ترتیب، استقلال ویتنام و لااوس اعلام گشت. بر این پایه بود که دومین کنگره حزب کمونیست هندوچین، در سال ۱۳۳۰، تصمیم گرفت که حزب را منحل کند، در ویتنام حزب زحمتکش ویتنام (امروزه: حزب کمونیست ویتنام) را بنا نهد و در لااوس و کامبوجیا هم تشکیل احزاب مستقل مارکسیستی-لنینیستی را اعلام دارد. بدین سان، کمونیست های ویتنام، لااوس و کامبوجیا وظیفه یافتند که، با توجه به شرایط ویژه سرزمین خود، به تدوین برنامه مستقل دست یازند و خلق خویش را در راه پیشبرد آن بسیج کنند.

حزب خلق لااوس در سال ۱۳۳۴، به رهبری رفقا کیسون فوم و پیهان سوفانوونگ و قومی ونگ ویشیت، در شرایط غیر قانونی تشکیل شد.

تشکیل «جبهه میهنی لااوس» و «قرارداد ویتنام»

حزب خلق لااوس، در پرتو تجربیات غنی خود در صحنه مبارزه طبقاتی و شناخت علمی خویش از قانوندهی های تحول جامعه، به زودی به نیروی راهبر خلق لااوس تبدیل یافت. این حزب نزدیک به یک سال بعد، یعنی در تاریخ ۱۶ دی - ماه ۱۳۳۵ به تشکیل یک جبهه وسیع خلقی - به نام «جبهه میهنی لااوس» اقدام کرد. حزب خلق لااوس هسته مارکسیستی، جبهه میهنی لااوس را تشکیل می داد. در سال های ۱۳۳۷-۱۳۴۶، حزب خلق لااوس، پس از درهم گسستن توطئه ارتجاع برای نابودی آن، در همه کسره های زندگی اجتماعی، نقش پیشگام خویش را آغاز کرد. به ترکیب مبارزه سیاسی-دیپلماتیک با عملیات نظامی پرداخت و حمله برای آزادی استان

مناسبت پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک خلق لااوس (۱۱ آذر ۱۳۵۴)



پیروزی انقلاب ملی-دمکراتیک و تشکیل «جمهوری دموکراتیک خلق لااوس»

حزب انقلابی خلق لااوس درسی امین سالگرد استقلال کشور، در اعلامیه های خطاب به خلق لااوس، اعلام داشت که پس از پیروزی انقلاب ملی-دمکراتیک، وقت آن فرا رسیده است که «حزب» در مرحله بازسازی صلح آمیز لااوس، به افکارسال تاریخی خویش بپردازد و رهبری جامعه نو را به دست گیرد.

بدینسان، در ۱۱ آذر ماه ۱۳۵۴، تشکیل جمهوری دموکراتیک خلق لااوس اعلام شد و مبارزه چهل و پنج ساله کمونیست های لااوس به ثمر رسید. با این پیروزی فصلی جدید در تاریخ چند هزار ساله لااوس گشوده شد و مردم لااوس، به رهبری حزب انقلابی خلق لااوس، پس از پیروزی ساختار سوسیالیسم را در سرزمین خود آغاز کردند.

پنجمین سالگرد تشکیل جمهوری دموکراتیک خلق لااوس را به خلق لااوس و حزب برادر - شادباش می گویم و پیروزی های هر چه بیشتر آن ها را در راه پایه گذاری سوسیالیسم خواستارم.

دهقانان زحمتکش لااوس سرزمین آراه خود را آباد می کنند

غالی را تدارک دید. اواسط سال ۱۳۵۱، هشتاد درصد سرزمین لااوس، که در حدود یک سوم جمعیت آن کشور در آن زندگی می کردند، تحت کنترل نیرو های مسلح آزادی بخش خلق بود.

پیروزی هم زمان خلق های ویتنام و کامبوجیا علیه تجاوزگران ایالات متحده آمریکا و ایادی محلی آنها، در ۲ اسفند ۱۳۵۲، به امضای «قرارداد ویتنام» انجامید. با این قرارداد برنامه کنگره دوم «حزب» (زمستان ۱۳۵۱) در زمینه حل مسئله استقلال ملی تحقق پذیرفت. در کنگره دوم، همچنین نام «حزب» به «حزب انقلابی خلق لااوس» تغییر یافت.

در دوسالی که از «قرارداد ویتنام» گذشت، مردم لااوس ائتلاف استوار گرانه انترافان و روزروازی کمپرادور را در کسره اقتصادی سیاسی بر داشتند و در تابستان ۱۳۵۴ خود قدرت را در سراسر کشور به دست گرفتند.

با وضع سیاسی کشور کلمبیا و سازمانهای مختلف و اشکال گوناگون نبرد مردم آشنا شویم

«دمکراسی باثبات» الیگارشسی کلمبیا

احزاب راستگرا، شکردهای انتخاباتی و اقدامات سرکوبگرانه نظامیان در بیشتر کارگران و دهقانان این اعتقاد را برانگیخته است که شرکت آنها در انتخابات بی فایده است و دگرگونی در وضع حاکم پدید نخواهد آورد. اما این واقعیت، که نفوذ نیروهای مترقی و چپ به مراتب بیشتر از آن است که در نتایج انتخاباتی نمایان می گردد، بویژه در تظاهرات و معالتهای توده های گسترده مشاهده می شود. برای نمونه، «جنبش فرمس» (سازمانی سوسیالیستی، که دوسال پیش به رهبری کارپریل گارسامارگر، نویسنده مشهور کلمبیایی، تشکیل گردید) توانست در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۴۲۰ هزار امضاء به نفع نامزد مشترک نیروهای چپ جمع کند.

مبارزه برون پارلمانی

همان گونه که در بالا متذکر شدیم اعتراض فزاینده مردم کلمبیا علیه فقر و نقض موازین دمکراسی - و در مرحله کنونی، بیسی از همه علیه «اثنین نامه امنیت» - بویژه در پیکار برون پارلمانی ابراز می گردد.

در این کسره، سندیکاها، یعنی سازمان های توده های کارگران، نقشی برجسته بازی می کنند. جنبش کارگری کلمبیا هم، مانند نهضت چپ، اکنون راه اتحاد را می بیند. هماهنگی مبارزه چهار کانون سندیکایی سی. اس. سی. سی. (مارکسیستی و نزدیک به «حزب کمونیست کلمبیا»، «اتحادیه مخالفان ملی» و «جبهه دمکراتیک»)، سی تی سی و بو تی سی (سوسیال رفرمیستی و تحت تاثیر احزاب سوسیالیستی) و سی جی تی سی (نزدیک به محافل دمکرات مسیحی رادیکال)، که بیش از ۷۵ درصد سندیکاها را در بر می گیرند، در نخستین اعتصاب ملی ۲۳ شهریور ۱۳۵۶ و دوران پس از آن اعتصاب و تشکیل «شورای ملی سندیکاها» را باید پیروزی بیس بزرگ برای جنبش سندیکایی کلمبیا به شمار آورد.

همکاری در فعالیت های روزافزون اعتصابی، به ویژه در صنایع نساجی و در میان کارمندان و کارگران دولت، هر چه بیشتر افزایش می یابد. در سال های ۵۶-۱۳۳۷، تنها در پهنه محلی، بیش از ۸۸ اعتصاب انجام پذیرفت. در این اعتصابات،

فرآورده مبارزه های طولانی و سخت در راه وحدت عمل احزاب و گروه های دمکراتیک و انقلابی کلمبیا است. حزب کمونیست کلمبیا بزرگترین و پراسبق ترین سازمان این جبهه است. (این حزب در ۲۶ تیر ماه امسال پنجاهمین سالگرد تأسیس خود را جشن گرفت). حزب کمونیست کلمبیا سال ها است که در راه اتحاد نیروهای خلقی کام بر می دارد. مهم ترین فرآورده سازمانی این مبارزات وحدت طلبانه پیش از پایه گذاری «جبهه دمکراتیک»، اتحادیه ملی مخالفان بود که هشت سال پیش تشکیل شد.

اتحادیه نامبرده، علاوه بر حزب کمونیست کلمبیا، جناح چپ «ائتلاف ملی خلق» (آ.ا.پو) که چندی بعد به «مکروه مختلف اشعاب یافت» و «جنبش مستقل - لیبرال» را نیز در بر می گرفت. «حزب مائوئیستی» بویژه هم مدت کوتاهی در «اتحادیه مخالفان ملی» شرکت داشت. ولی به زودی از آن کناره گرفت. با تشکیل «جبهه دمکراتیک» برای نخستین بار در تاریخ سیاسی کلمبیا بخش اعظم نیروهای چپ در جبهه ای واحد شکل یافته است. «جبهه دمکراتیک» سازمانی است ضد امپریالیستی، ضد انحصارات، ضد بزرگ مالکی و دمکراتیک. برنامه مشترک با «پلاتفرم» این جبهه هدف آن را «ایجاد حکومتی جدید، به رهبری زحمتکش و طبقات دمکراتیک» توصیف می کند.

اعتراض فزاینده مردم کلمبیا، که بویژه در مبارزه برون پارلمانی (سندیکاها، کمیته های شهروندان و فعالیت های پارتیزانی) تجلی می یابد و در آن نیروهای چپ نقشی سنجیده بازی میکنند، هنوز در افزایش آرای گروه های چپ در انتخابات ظاهر نمی شود. این واقعیت همچنین در انتخابات محلی، که در ۱۹ اسفند ۱۳۵۸ در کلمبیا برگزار گردید، نمایان بود. در این انتخابات «حزب لیبرال» دومیلیون، «حزب محافظه کار» ۱/۵ میلیون رای و «جبهه دمکراتیک» ۱۱۴۰۰۰ رای به دست آوردند. با این همه «جبهه دمکراتیک» در نزدیکه نیمی از پالمان های محلی و تقریبا همه پالمان های ایالتی نماینده دارد. علت مهم آن که نتایج انتخاباتی برای نیروهای چپ تا کنون چندان رضایت بخش نبوده است، آن است که به سیاست غیر دمکراتیک احزاب سنتی الیگارشسی و انحصار طلبی آنها در بیست سال گذشته، بسیاری از مردم از شرکت در انتخابات خودداری می ورزند. خوشبختانه سهم این نوع افراد در انتخابات ۱۹ اسفند از مرز ۳۰ درصد پایین آمد. اکثریت ثابت

تنها ۴۷ درصد هزینه های ضروری خانواده آنها را تأمین می سازد. درآمد بسیاری از دهقانان و کارگران روستایی به مراتب کمتر از حداقل قانونی دستمزد است. توسعه مناسبات سرمایه داری و تمرکز سرمایه سبب می گردد که عده هر چه بیشتری از روستائیان روانه شهرها شوند و بر خیل بیکاران بیافزایند.

حکومت دوجزبی

نابندگان سیاسی الیگارشسی کلمبیا دو حزب لیبرال و محافظه کار هستند که ۲۴ سال است قدرت را میان خود تقسیم کرده اند. شانزده سال است که هر یک از این دو حزب، هر چهار سال یکبار، به نوبت، زمام دولت را به دست می گیرد. لیبرال ها و محافظه کاران، هر یک نیمی از مهم ترین سمت های قوه مجریه و قضاییه را به خود اختصاص داده اند. وضع اضطراری، که اینک بیش از سی سال با وقفه های کوتاه در کلمبیا حکمفرماست، به الیگارشسی آن کشور اجازه می دهد، تا حقوق منحل در قانون اساسی، بویژه حق اجتماع و اعتصاب، را خودسرانه ملغی اعلام دارد و در مناطق گوناگون کلمبیا، بخصوص روستاها، شرایط حکومت نظامی را برقرار سازد. نظامیان هر چه بیشتر به قتل مردم دست می زنند و شماره زندانیان و شکنجه های سیاسی همواره روبه افزایش است.

بیش از دوسال است که دولت خولیو سزار تورویا، می گوید تا از طریق اصطلاح «اثنین» نام امنیت با جنبش اعتراضی مردم به مقابله بپردازد. این قانون محدودیت های جدیدی را در زمینه حقوق دمکراتیک مردم کلمبیا پدید آورد و مجازات های شدیدی را برای اصطلاح «جرایم سیاسی» مقرر داشت. «اثنین نامه امنیت» این خطرا بوجود آورده است که محافل ارتجاعی و فاشیستی وابسته به خویمز هورتادو، رهبر «حزب محافظه کار» و کاماچولویا، وزیر جنگ کلمبیا، با استفاده از شرایط گرایش به راست، تلاش ورزند تا وضعی شبهه آروگره را در کلمبیا برقرار سازند.

تشکیل «جبهه دمکراتیک»

در چنین شرایطی، نیروهای چپ کلمبیا اوایل زمستان ۱۳۵۸ به تشکیل جبهه ای به نام «جبهه دمکراتیک» دست زدند. «جبهه دمکراتیک»

زمام داران کشور کلمبیا اغلب میل دارند که به «دمکراسی باثبات» خود نازند و آن را سر مشقی برای آمریکای لاتین کودتا زده جلوه دهند. اما اگر نه این اصطلاح «دمکراسی باثبات» نگاهی دقیق تر به افکندیم، چیزی جز پارلمانتاریسم بورژوازی بی محدود نمی یابیم، که الیگارشسی کلمبیا، یعنی عالی ترین محافظ مالی - اقتصادی - سیاسی رهبری کننده آن کشور به بیاری آن از نظام سرمایه داری پاسداری می کند و تازه اعلام وضع اضطراری و حکومت نظامی در نقاط مختلف را نیز در بر می گیرد. از جمله ویژگی های سرمایه داری کلمبیا، تحول جهشی و بیامدهای فوق العادی منفی آن برای جامعه است.

علت ثبات نسبی سیادت الیگارشسی کلمبیا، پیش از همه، در این واقعیت باید جستجو کرد که جنبش دمکراتیک کلمبیا تا کنون نتوانسته است توان سیاسی و وحدت خویش را تا آن حد گسترش دهد، که به عاقلی تعیین کننده تبدیل گردد. در حدود دو دهه است که سرمایه داری در کلمبیا، بویژه در صنایع آن کشور، با سرعتی چشم گیر تحول می یابد. با این همه، کلمبیا در تقسیم کار سرمایه داری بین المللی همچنان کشوری عقب افتاده و وابسته به امپریالیسم ایالات متحده محسوب میشود. کشاورزی کلمبیا نیز از توسعه سرمایه داری بی نمانده و سرمایه بزرگ زمین داری و تمرکز روزافزون زمین ها در دست عده ای محدود استوار است. رونق نامبرده سبب شده است که از یک سو الیگارشسی کلمبیا، مرکب از نزدیک به پنجاه خانواده، به چپاول بی بندوبار مردم کلمبیا بپردازد و از سوی دیگر زحمتکش آن کشور در فلاکتی دهشت انگیز بسر برند. از سرمایه انحصاری بومی، از جمله سرمایه کلان زمین داران که بگذریم، سرمایه انحصاری خارجی، که بر اقتصاد کلمبیا فراتر و است، در درجه نخست، از سوی گروه های انحصاری راکفلر، مورگان و «فرست شتال سیتی بنک» ایالات متحده آمریکا تأمین می شود. شواهد آماری حاکی از آن است که در دهه پیش، نه تنها فقر نسبی، بلکه همچنین، فقر مطلق گریبانگیر زحمتکش کلمبیا بوده است. برای نمونه یادآور می شویم که دستمزد حقیقی طبقه کارگر کلمبیا در ده سال پیش، ۱۰ درصد کاهش یافته است. این کاهش در سال های ۵۶-۱۳۳۹ برای کارگران نساجی ۳۰ درصد بوده است. حداقل دستمزدی، که قانون تعیین کرده است و اکثریت کارگران کلمبیا را شامل می شود،

کارگران چوببری «ایتکار» اراک: احقاق حقوق مستضعفین، یکی از هدفهای اصلی انقلاب ماست!

چندین کارگاه بزرگ و کوچک چوببری در شهر اراک وجود دارد که در اینجا ما روزی کارگران آنها نیز ساعت کاری کنیم همچون دیگر زحمتکشانی که مشکلاتی دارند. ولی آنها، علیرغم مشکلات، برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی آماده اند.

برای آشنایی با مشکلات و خواستههای کارگران سری به چوببری «ایتکار» میزنیم و در فضای کارگاه با کارگران گفتگویی نشینیم و از زبان خود آن ها می شنویم:

کارگران این چوببری به جز چند نفری ثابت نیستند و اغلب بطور موقت در اینجا کار می کنند به همین دلیل کارفرما می تواند سطح دستمزدها را پایین نگه دارد. بعضی از کارگران حتی حداقل دستمزدی را که در قانون کار تعیین شده است نمی گیرند. (۲۵ ریال) حقوق کارگران موقت آمریکا می خواهد حداکثر ۵ تومان است. البته حقوق کارگران دائمی کمی فرق می کند. اما مسئله مهم اینست که قانون کار در اینجا اجرا نمی شود. بطور مثال در هنگام تعطیلات رسمی و جمعه ها حقوق ما را پرداخت نمی کنند. اگر یک روز مریض شویم و نتوانیم کار کنیم، آخر هفته از حقوقمان کم می شود. در همه کارخانهها

چندین کارگاه بزرگ و کوچک چوببری در شهر اراک وجود دارد که در اینجا ما روزی کارگران آنها نیز ساعت کاری کنیم همچون دیگر زحمتکشانی که مشکلاتی دارند. ولی آنها، علیرغم مشکلات، برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی آماده اند.

برای آشنایی با مشکلات و خواستههای کارگران سری به چوببری «ایتکار» میزنیم و در فضای کارگاه با کارگران گفتگویی نشینیم و از زبان خود آن ها می شنویم:

کارگران این چوببری به جز چند نفری ثابت نیستند و اغلب بطور موقت در اینجا کار می کنند به همین دلیل کارفرما می تواند سطح دستمزدها را پایین نگه دارد. بعضی از کارگران حتی حداقل دستمزدی را که در قانون کار تعیین شده است نمی گیرند. (۲۵ ریال) حقوق کارگران موقت آمریکا می خواهد حداکثر ۵ تومان است. البته حقوق کارگران دائمی کمی فرق می کند. اما مسئله مهم اینست که قانون کار در اینجا اجرا نمی شود. بطور مثال در هنگام تعطیلات رسمی و جمعه ها حقوق ما را پرداخت نمی کنند. اگر یک روز مریض شویم و نتوانیم کار کنیم، آخر هفته از حقوقمان کم می شود. در همه کارخانهها

کارگران اراک: احقاق حقوق مستضعفین، یکی از هدفهای اصلی انقلاب ماست!

چندین کارگاه بزرگ و کوچک چوببری در شهر اراک وجود دارد که در اینجا ما روزی کارگران آنها نیز ساعت کاری کنیم همچون دیگر زحمتکشانی که مشکلاتی دارند. ولی آنها، علیرغم مشکلات، برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی آماده اند.

برای آشنایی با مشکلات و خواستههای کارگران سری به چوببری «ایتکار» میزنیم و در فضای کارگاه با کارگران گفتگویی نشینیم و از زبان خود آن ها می شنویم:

کارگران این چوببری به جز چند نفری ثابت نیستند و اغلب بطور موقت در اینجا کار می کنند به همین دلیل کارفرما می تواند سطح دستمزدها را پایین نگه دارد. بعضی از کارگران حتی حداقل دستمزدی را که در قانون کار تعیین شده است نمی گیرند. (۲۵ ریال) حقوق کارگران موقت آمریکا می خواهد حداکثر ۵ تومان است. البته حقوق کارگران دائمی کمی فرق می کند. اما مسئله مهم اینست که قانون کار در اینجا اجرا نمی شود. بطور مثال در هنگام تعطیلات رسمی و جمعه ها حقوق ما را پرداخت نمی کنند. اگر یک روز مریض شویم و نتوانیم کار کنیم، آخر هفته از حقوقمان کم می شود. در همه کارخانهها

باید از تعطیل شدن کارخانهها و کاهش تولید جلوگیری کرد

شرایط حساس کنونی میهمان با هرگونه کم کاری و یا تخلف از تولید معایرت دارد و لازم است رسیدن به پیروزی در جنگ و تامین احتیاجات معیشتی جامعه سعی در برطرف کردن حداکثر امکانات برای تولید بیشتر است. تعطیل شدن هر کارخانه و کم شدن تولید در هر مرکز تولیدی، مشکلی است که می تواند ضربه ای بر بنیان های انقلاب باشد.

یکی از کارخانههایی که پس از انقلاب دچار رکود شده و تولید آن کاهش یافته است (تا حدی که دیگر تولیدی ندارد) ماشین سازی پارس واقع در کیلومتر سه جاده اراک - تهران است. این کارگاه یکی از کارگاه های شرکت ماشین سازی پارس را تشکیل می دهد و اسکلت فلزی تولید می کند. (این شرکت در سه شهر تهران - اهواز و اراک شعبه دارد.)

این کارخانه پیش از انقلاب حدود شصت تا هفتاد تن تولید داشت. در حالیکه پس از انقلاب، این مقدار به ۳۰ تا ۴۰ تن کاهش یافته و در حال حاضر نیز تقریباً تولیدی ندارد.

علت اصلی کاهش تولید فقدان تقاضای ساختن اسکلت فلزی است زیرا طرحهای عمرانی و صنعتی منطقه پایان یافته و طرح جدیدی نیز در دست اقدام نیست.

علاوه بر این باید از عدم مدیریت صحیح نیز یاد کرد که با وجود امکانات عظیم کارخانه، تاکنون اقدامی برای رفع بیکاری و ادامه تولید کارخانه صورت نگرفته است.

در این کارخانه دو دست و چهار کارگر کار میکنند که در حال حاضر مشغول کار بر روی قراردادهای گذشته هستند. ولی این قراردادها نیز رو به اتمام است. در یک کلام کارگران را بیکاری تهدید می کند. بنابراین نیز در این کارخانه بطور رسمی ۳۵ ساعت کار در هفته اعلام شده است.

در شرایطی که کشور احتیاج به بازسازی و نو سازی دارد و هر روز نیز به این نیاز افزوده می شود، می توان و باید از اینگونه کارخانهها استفاده کرد. برای ساختن اسکلت فلزی ساختمانهای مورد احتیاج و ضروری مانند بیمارستانها، دبستانها، دبیرستانها، مجتمع های مسکونی، ورزشگاهها، مخازن آبرسانی روستاها، دکل های فشار قوی و غیره، از این واحد استفاده کنند و از تعطیل شدن آن جلوگیری بعمل آورند. اقداماتی نظیر: - نظارت بر کارخانهها، بگونگی مدیریت آنها، نظارت بر چگونگی تولید کارخانهها و استفاده از مسئولین مربوطه، استفاده از امکانات این واحدها برای ترمیم و بازسازی خرابی های ناشی از جنگ و ایجاد ساختمانهای جدید بنا به نیازهای جامعه، - جلوگیری از اقدامات نسنجیده و غیر منطقی مسئولین، مانند نمونه این کارخانه که با اعلام کردن ۳۵ ساعت کار در هفته بطور رسمی می تواند احتمالاً باعث اعتراض کارگران سایر کارخانهها شود و بر بنیان های موجود و امن بزند.

و سخن آخر این که، تعطیل شدن هر کارخانه و مرکز تولیدی ضربه ای است به انقلاب، گامی است در جهت وابستگی به امپریالیسم و تضعیف جبهه انقلاب در برابر توطئه های ضد انقلاب. این حقیقتی است که باید پذیرفت و از هر عملی که در جهت آن صورت گیرد، باید جدا اجتناب ورزید.

کارگران مبارز ایران در یک دست با ابزار کار و در یک دست دیگر با اسلحه از پیشین انقلابی دفاع کنید

با وضع سیاسی کشور...

بقیه از صفحه ۳

اعضای سندیکاها، ساکنان محلات کارگری و فقیر نشین و کمیتههای آنها، دانشجویان، دکانداران و دهقانان شرکت و برای پیشبرد منافع مشترک خویش مبارزه کردند. رهبری این گونه اعتصابات به دست کمیتههایی است، که از نمایندگان آزادیخواهان، محافظهکاران، کمونیستها، سوسیالیستها، دمکراتها و مسیحیان تشکیل می شوند. سندیکاهای عضو سی.اس.تی.سی. در این اعتصابات همیشه نقشی تعیین کننده بر عهده داشته اند.

نخستین اعتصاب ملی ۲۳ شهریور ۱۳۵۶ کلمبیا به رهبری چهار کانون بزرگ سندیکایی این کشور نشان داد که جنبش اعتصابی کارگران کلمبیا چه ابعاد وسیع توده ای می تواند حائز گردد. در این اعتصاب ۱/۳ میلیون کلمبیایی شرکت کردند و نزدیک به پنجاه درصد فعالیت های اقتصادی کشور را فلج ساختند. اعتصابیون علیه گرانی، وضع اضطراری و برای افزایش عمومی دستمزدها به میزان پنجاه درصد و آزادی سندیکایی به اعتراض برخاستند.

اعتصاب ملی ۱۳۵۶، علیرغم آنکه به هدفهای خود دست نیافت، آمادگی مردم را برای شرکت در جنبش اعتراضی تقویت بخشید. در سالهای بعد از این اعتصاب، کارفرمایان مجبور شدند که تا حدی از مقاومت خود در برابر خواستههای حقه کارگران

کمیته دفاع از حقوق انسانی

سندیکاهای کلمبیا هم اکنون دومین اعتصاب ملی خود را برای پایان سال میلادی جاری تدارک می بینند. این اعتصاب، که هدف آن اعتراض به گرانی توانفرسا و «آئین نامه امنیت» اعلام شده است، بدون شک، در تحولات سیاسی کلمبیا در ماههای آینده بی تاثیر نخواهد ماند.

«کمیته دفاع از حقوق انسانی» وسیع ترین ائتلاف دمکراتهای کلمبیا علیه «آئین نامه» امنیت، وضع اضطراری و موارد نقض حقوق بشر ناشی از آن، «کمیته دفاع از حقوق انسانی» است. این کمیته طیف وسیعی از ترقیخواهان و نیروهای مردمی کلمبیا را، با عقاید مختلف ایدئولوژیک و سیاسی، دربر می گیرد. در رهبری این کمیته چهار کانون سندیکایی پیشگفته، چند اتحادیه کارگری دیگر و انجمن های گوناگون، اعضای «فیزس» حزب کمونیست کلمبیا، گروه سوسیالیستی سی.اس.تی.سی. «انایوی راست»، «انایوی چپ»، «حزب محافظهکار» (آلفردو واسکز کاربوسا، وزیر خارجه پیشین کلمبیا) و شخصیت های نامداری چون گابریل گارسیا مارکز، آلوارو سیروانو میخیا، کسپولو آزخونخرا، خیم کیخانو کالبرو، شرکت دارند. در بهار سال ۱۳۵۸، «کمیته دفاع از حقوق انسانی» کلمبیا یک «گروه همایی ملی» برگزار کرد، که انعکاس بین المللی نیز در پی داشت. برای وقوف به موفقیت های این کمیته یادآور

مبارزه مسلحانه دهقانان کلمبیا

در برخی از نواحی روستایی کلمبیا به ویژه در استان های کاکتا، هویلا، تولیما، بویاکاوکوردوبا یعنی در یک پنجم خاک کلمبیا دهقانان به مبارزه مسلحانه مشغولند. بزرگترین سازمان چریکی کلمبیا «نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا» «فارک» است، که از «حزب کمونیست کلمبیا» رهنمود می گیرد. علاوه بر این، سازمان های از جمله، «ارتش آزادی ملی» (الان) و «ارتش آزادی خلق» (ایل) نیز در جنگ های پارتیزانی شرکت دارند. «ارتش آزادی خلق» سازمانی است مائوئیستی، که بر اثر انتصابات بی دردی اینک به گروهی کم اهمیت تقلیل یافته است. به گفته ماتالانا، ژنرال سابق، «فارک» توانسته است در ده سال گذشته مناطق رزم خود را از ۲ به ۱۰ برساند. «از همسنگی مردم این مناطق برخوردار است. بیکار مسلحانه دهقانان در کلمبیا دارای سن دیرینه است و ریشه های آن را می توان در دوران «بولونیا»

می شویم که مبارزات آن تاکنون به آزادی بسیاری از زندانیان سیاسی کلمبیا، از جمله آلوارو واسکز، کمونیست معروف کلمبیایی، انجامیده است. «کمیته دفاع از حقوق انسانی» همچنین در زمستان سال گذشته دولت کلمبیا را وادار ساخت که به کمیته بین المللی آزادی «عفو بین المللی» اجازه دهد تا در آن کشور به بررسی نقض حقوق بشر بپردازد. دولت کلمبیا برای نخستین بار مجبور شد اذعان کند که در این کشور آمریکایی لاتین حقوق ابتدائی مردم نقض می گردد.

مبارزه مسلحانه دهقانان کلمبیا در برخی از نواحی روستایی کلمبیا به ویژه در استان های کاکتا، هویلا، تولیما، بویاکاوکوردوبا یعنی در یک پنجم خاک کلمبیا دهقانان به مبارزه مسلحانه مشغولند. بزرگترین سازمان چریکی کلمبیا «نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا» «فارک» است، که از «حزب کمونیست کلمبیا» رهنمود می گیرد. علاوه بر این، سازمان های از جمله، «ارتش آزادی ملی» (الان) و «ارتش آزادی خلق» (ایل) نیز در جنگ های پارتیزانی شرکت دارند. «ارتش آزادی خلق» سازمانی است مائوئیستی، که بر اثر انتصابات بی دردی اینک به گروهی کم اهمیت تقلیل یافته است. به گفته ماتالانا، ژنرال سابق، «فارک» توانسته است در ده سال گذشته مناطق رزم خود را از ۲ به ۱۰ برساند. «از همسنگی مردم این مناطق برخوردار است. بیکار مسلحانه دهقانان در کلمبیا دارای سن دیرینه است و ریشه های آن را می توان در دوران «بولونیا»

دوستان و دشمنان انقلاب در روستاها

بزرگ مالکان متمک، بعنوان یکی از پایگاههای امپریالیسم، از ابتدای انقلاب تاکنون همواره کوشیده‌اند، تا انقلاب بزرگ و شکوهمند میهن را تضعیف کنند و به خیال خام خود به شکست بکشانند. آنها از لیبرالهای همدمت خود و از روحانی‌تمایان همکاسه خود در این راه استفاده کرده‌اند. اربابان در هر توطئه‌ای علیه انقلاب شرکت فعال داشته‌اند. یا چاق‌داران و قنق‌چرهای خود را برای ایجاد محیط رعب و تشنج فرستاده‌اند، یا کشت دهقانان را تخریب کرده‌اند. از آغاز جنگ تجاویزی و خائنه رژیم صدام نیز بزرگ مالکان همراه یا سایر توطئه‌گران و ضدانقلابیون تلاش کرده و میکنند که، با تضعیف پشت جبهه، به تحقق توطئه علیه جمهوری جوان و انقلابی اسلامی ایران یاری رسانند. گزارش زیر، از روستای آتابک کرمان، گوشه‌ای از این فعالیت‌های مخرب بزرگ مالکان را نشان میدهد:

در جریان انقلاب، دهقانان زحمتکش آتابک کرمان به مبارزه با مالک این ده برخاستند. سال گذشته دهقانان توانستند با کمک سیاه پاسداران زمینها را برای خود بکارند و هیچ بهره مالکانه‌ای تیراندند. موقع برداشت گندم ایادی مالک کوشیدند دهقانان را بترسانند، ولی دهقانان آتابک، با اقدامات سنجیده، متحد و با یاری نهادهای انقلابی، توانستند بر آنها غلبه کنند.

اکنون که مردم ما درگیر جنگ علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده صدام هستند و سیاه پاسداران امکانات کافی برای رسیدگی به مسائل دهقانان را ندارند، مالک موقعیت را غنیمت شمرده و عده‌ای از ایادی خود را بطور مسلحانه برای خرابکاری به روستای آتابک فرستاد. دارودسته مالک از روستای حسین‌آباد به دهقانان

بزرگ مالکان، ستون پنجم دشمن، و دهقانان زحمتکش، حافظان انقلاب هستند.
برای تقویت جبهه و پشت جبهه قانون اصلاحات ارضی را اجرا کنید!

آتابک حمله کردند و یازده تلبه را از کار انداختند. دهقانان آتابک به سیاه پاسداران مراجعه کردند. از آنجا که سیاه در حال آماده‌باش بود، آنها را به ژاندارمری فرستاد. ولی مسئولین ژاندارمری زرقان به آنها گفتند که باید یا پرداخت مال الاجاره، مالک را راضی کنند و یا او کنار بیایند.

این بود نمونه‌ای از فعالیت‌های مخرب بزرگ مالکان. اما دهقانان زحمتکش، که همگام با سایر مردم کشورمان در پیروزی انقلاب سهم بسزایی داشتند و همواره با تمام وجود از آن حفاظت کرده‌اند، اینک که توسط امپریالیسم آمریکا جنگی بر ما تحمیل شده است، خود و فرزندانشان، به انواع طرق، اعم از شرکت مستقیم در جنگ و افزایش تولید و کمکهای نقدی و جنسی به جبهه، از انقلاب پاسداری میکنند.

دهقانان زحمتکش و حوطلب دشمن آشتی‌ناپذیر بزرگ مالکان هستند و آمادگی کامل دارند تا این جرئومه فساد را در روستاها ریشه کن کنند. فعالیت‌های موثر و بزرگ روستائیان اطراف مرودشت بمنظور تقویت جبهه جنگ، نشاندهنده ایمان و اعتقاد راسخ زحمت‌کشان روستا به انقلاب است. چند نمونه از آن خود گویاست:

روستائیان اطراف مرودشت کمکهای مالی زیادی برای مبارزان جبهه جنگ فرستاده‌اند. در روستای قشلاق و درناب، که فقط ۷۰۰ نفر جمعیت دارد، یک بتن خاور برنج، قند، پتو، ملافه و دیگر مواد مصرفی ضروری جمع شده است.

زنان روستا کله قندها را در سینی گذاشته، تحویل مامورین جهاد سازندگی میدادند و مامورین جهاد، در حالیکه از شادی اشک میریختند، کمکهای مالی را جمع میکردند.

در روستای آتابک نیز، با اینکه دهقانان درگیر یک برخورد مسلحانه با ایادی مالک هستند، کمک‌های به جبهه را فراموش نکرده‌اند. در روستای ماهر سلطان زنان با علاقه زیادی برای رزمندگان جبهه جنگ نان می‌پزدند.

با توجه به عمق توطئه بزرگ مالکان در این لحظه حساس و سرتوش‌ساز و با توجه به آمادگی همه‌جانبه دهقانان زحمتکش در روستاها برای محو بزرگ مالکی - که اکثر زمین‌هایشان غصبی است - هشت‌های هفت‌تفری همچنان امکان دارند که بمنظور تقویت هرچه بیشتر پشت جبهه و نیز جبهه انقلاب، قانون اصلاحات ارضی را بسود دهقانان بزمین و کبزمین اجرا کنند. فعالیت بزرگ مالکان آشکارا ضدانقلابی است. تخریب کشت و نابودی تلبه‌ها و درگیری مسلحانه با دهقانان و ایجاد کانون تشنج بازرترین نمونه آن است. باید جلوی آن گروه از روحانی‌تمایان را که بنام شرع و اسلام میخواهند اسلام راستین را بی‌آبرو کنند، گرفت و پسه لیرال‌ها نیز، که در تکلیفک سرفاع از منافع سودجویانه طبقاتی خویش و تحفظ سلسله غارتگری و سازش تدریجی با امپریالیسم، میخواهند عمر شوم بزرگ مالکی را ادامه دهند، نباید اجازه خرابکاری داد.

هیئت‌های هفت‌تفری که فعالیت مردمی و انقلابی مهمی در راه اجرای قانون انجام میدهند و همچنین نهادهای انقلابی، که خواستار اجرای قانون هستند، چون سیاه پاسداران و جهاد سازندگی می‌توانند در تشخیص زمین‌های غصبی یعنی اکثر زمینهای اربابی نقش مهمی ایفا کنند. همه انقلابیون باید حملات موزیانه عمل بزرگ مالکان را علیه این نهادها دفع کنند و با قطع دسیسه‌های اربابان پشت جبهه را تحکیم نمایند.

همه اینها رابطه مستقیم و فوری با جنگ دارد. ما که با امپریالیسم آمریکا و عمل خارجی او در نبرد هستیم، نمیتوانیم مار در آستین ببریم و به عمل داخلی امپریالیسم آمریکا امکان و اجازه دهیم که همچنان در کار انقلاب خرابکاری کنند. آمریکا نقشه براندازی جمهوری اسلامی ایران را میخواهد بیاورد. فعلا از خارج، یا استفاده از عامل چنایکتارکوش صدام، و از داخل یا استفاده از پایگاه منحوس بزرگ مالکی. برای فرود هم نقشه‌های دیگر دارد، که از هم اکنون باید هشیارانه آماده مقابله باشیم.

اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و تقویت هیئت‌های هفت‌تفری تا پایان کار آنها کاملاً ضروری است. الفای کامل جیباط بزرگ مالکی، که در غصبی بودن تصرف زمین‌هایشان بزرگ، به‌زیر یا به ترویر شکمی نیست، و واگذاری کلیه زمینها به دهقانان تمی - دست يك امر حیاتی برای انقلاب ما و برای پیروزی در جنگ است، نه فقط در جنگ کنونی علیه صدام، بلکه در نبردهای آینده علیه توطئه‌های بیابلی امپریالیسم آمریکا. این کار برای تقویت پشت‌جبهه و تأمین محصول کافی در داخل کشور نیز ضرورت حیاتی دارد. اگر واقعا میخواهیم فرمان امام خمینی را دائر بر جهاد کشاورزی و تولید محصول هرچه بیشتر عملی کنیم، نمیتوانیم لانه فساد و غارت و تخریب بزرگ مالکی را باقی بگذاریم. مقامات مسئول اعلام کرده‌اند که هیئت‌های هفت‌تفری همچنان میتوانند اقدام بکنند و مشرتمر باشند و از هم اکنون در نقاط مساعد طرح دنبال خواهد شد. در نمونه روستاهای آتابک و مرودشت میتوان مواضع دوستان و دشمنان انقلاب در روستاها را دید. برای پیروزی انقلاب در این عرصه حیاتی نیز اتخاذ روش قطع علیه دشمنان انقلاب و ستون پنجم دشمن، یعنی بزرگ مالکان و حمایت بر دروغ از دوستان و حافظان انقلاب، یعنی دهقانان زحمتکش، کاملاً لازم و غیرقابل اجتناب است.

دهقانان قریه گلدسته:

در جبهه، بار و بارویی علیه دشمن خونخوار و در پشت جبهه با کشت محصول، تاپیروزی کامل مبارزه می کنیم

دهقانان مبارز قریه گلدسته، طی نامه‌ای به شورای عالی دفاع و سپاه پاسداران انقلاب (روتوش برای جرایم کشور) آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام داشتند. در این نامه برشور، دهقانان با اعلام آمادگی خود چنین می‌نویسند:

شورای عالی دفاع ملی
سپاه پاسداران
جراید محترم کشور
ما دهقانان گلدسته، هم‌طور که در مدت دو سال عمر انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به پیروی و رهنمود رهبر کبیرمان امام خمینی در کاشت محصولات کشاورزی با دل و جان پذیرا و نظه‌ای از این تلاش‌های متوس در راه مبارزه با آمریکا جبهانخوار و تمام کشورهای صر سربرده آن که ما را تحریم اقتصادی کردند یا توجه به امکانات محدودمان دوغ نمودیم و با تمام توان در این راه کوشی کرده و اکنون که کشورمان مورد تجاوز و حشیانه صدام و آمریکای خون‌آشام قرار گرفته ما باریکری آمادگی خود را اعلام میداریم که حاضریم همراه فرزندان انقلاب سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی کشورمان برای دفاع از انقلاب اسلامی و کشور عزیزمان تپای جان چه در جبهه رویاروی یا دشمن خونخوار و چه در پشت جبهه با کشت محصول غله به مبارزه بر علیه ضدانقلابیون خارجی و داخلی تا پیروزی کامل ادامه دهیم و جان برکف مستقر دستورات آن مقام محترم میباشیم. باشد

دهقانان نیروی اصلی پشت جبهه را دریابید

روستای آسیان، در جاده ساوه، آبرک واقع است. جمعیت این روستا در حدود ۹۰ خانوار است، که از مسائل اولیه زندگی بی‌بهرمانند. تنها حمام این روستا خزینه‌ای است، اما یک دهستان ابتدائی دارد. در این روستا از آب، برق، درمانگاه، پزشک و دارو خبری نیست. مسجد این روستا، پس از زلزله‌ای که در بوئین‌زهرا و اطراف رخداد، ساخته شده است. این روستا شور و دارد و اعضای شورا عبارتند از روحانی روستا، کدخدای و چندین ریش‌سفید ده.

شورای ده وظیفه‌سنجینی دارد. شورای ده با اختیارات رسمی که دارد و بودجه و امکاناتی که مقامات دولتی باید در اختیارش بگذارند، نباید بفکر مسائل دهقانان باشد و پشت جبهه را تقویت کند. مقامات دولتی باید برقع مشکلات تولید و معیشتی کمک کنند، وسائل ضروری تولید و حداقل شرایط زندگی را بدست شوراهای ده و پاکمک نهادهای انقلابی در اختیار دهقانان قرار دهند. این خود، در شرایط حساس کنونی، برای تحکیم پشت جبهه و پیروزی بردشمن اصلی آمریکا و عامل مزدوریش صدام اهمیت فراوان دارد.

بخش عمده ارتش بیست میلیونی را دهقانان زحمتکش تشکیل میدهند.
دهقانان! فوراً به بسیج مستضعفین مراجعه کنید و دستورهای آنرا عملی سازید

تا در این مقطع تاریخ ما همسرم کوچکتر کردند گورامریالیسم و خدمت به جمهوری اسلامی ایران عزیز داشته باشیم - پیروزی انقلاب اسلامی ایران - مرگ ساوه

نامه مردم: دهقانان ایران در مبارزات خود علیه بزرگ مالکی و بقایای فئودالیسم نقش برجسته‌ای در سرنگونی پایگاه داخلی امپریالیسم ایفا کرده‌اند. آنها امروز نیز با اعلام آمادگی برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باریکری نشان می‌دهند که دستاورد انقلاب شکوهمند ما یعنی قانون اصلاحات ارضی را که نوبیختی رهائی دهقانان از قید بزرگ مالکی و در جهت تحکیم جمهوری اسلامی ایران، تمیق انقلاب و تثبیت آزادی‌واقعی دهقانان است مانند مردمک چشم خود گرامی میدانند. برای تحکیم انقلاب و تثبیت مواضع آن در پشت جبهه باید با اتکال به نیروی توده دهقانان زحمتکش هر چه زودتر پایگاه بزرگ مالکی دشمن انقلاب را نابود ساخت.

عبارت «شرق و غرب» و شعار «نه شرقی، نه غربی» در رسانه‌ها و مطبوعات و معاشرت کشور ما رایج است. قبل از هر چیز باید بگوئیم که «شرق» و «غرب» مصطلحات واقعی است و شعار «نه شرقی، نه غربی» در معنای علمی و انقلابی خود، اصولاً شعار درستی است، و بسیار زنده کسانی که این شعار را در معنای درست آن مطرح می‌سازند و هدف درست و منطقی از آن تعقیب می‌کنند. منظور آنها اینست که ما می‌خواهیم کشور ما به هیچ کشور و دولتی وابسته نباشد، مستقل و آزاد زندگی کند، خود حاکم بر سرنوشت خویش باشد و راه تکامل خود را خود تعیین کند. اینان گریه برای ابراز این نیت ما دقانه و درست خود، شعار نامناسبی به کار می‌برند، ولی به هر حال هدفشان درست است.

ولی با اطمینان خاطر و بدون ترس از افتادن در ورطه اتهام و بی‌مبالغه، می‌توانیم بگوئیم که اکثریت عظیم استعمال کنندگان عبارت «شرق و غرب» و مطرح کنندگان شعار «نه شرقی، نه غربی» خود معنای این عبارت و این شعار را نمی‌دانند و یا تصور بسیار ناقص و سطحی و حتی گاهی منافی واقعیت درباره آنها دارند. برخی‌ها این عبارت و شعار را از دیگران شنیده‌اند و بی‌آنکه در معنایش تعمق و تأمل کنند، آنرا طوطی‌وار تکرار می‌نمایند. عده‌ای طبق مد روز عمل می‌کنند، کسانی هم هستند که آگاهانه عمل می‌کنند و منظورشان از طرح این شعار به «انزوا» کشاندن ایران و پس برگرداندن ایران به دام اسارت امپریالیسم است.

با علم به انواع موارد فوق، که عبارت «شرق و غرب» و شعار «نه شرقی، نه غربی» را به کار می‌برند و بویژه با درک این واقعیت، که اکثریت عظیم مطرح‌کنندگان این عبارت و شعار خود به معنای علمی و واقعی آن واقف نیستند و یا وقوف کافی ندارند، شرح مختصری را در این زمینه لازم می‌دانیم.

«شرق» و «غرب» دو کلمه هستند و هر یک، مثل اکثر لغات دیگر، دو نوع معنا دارند: یکی معنای حقیقی و دیگری معنای مجازی. معنای حقیقی «شرق» یعنی آن مکانی که آفتاب و ماه و ستارگان از آنجا طلوع می‌کنند و معنای حقیقی «غرب» یعنی آن مکانی که آفتاب و ماه و ستارگان در آنجا غروب می‌کنند. آیا وقتی که می‌گویند «نه شرقی، نه غربی»، منظور اینست که ما اهل جایی هستیم که در آنجا اجرام سماوی طلوع می‌کنند و غروب؟ البته نه! هیچ کس چنین چیزی نمی‌گوید!

معنای دیگر «شرق»، یعنی آن مناطقی از جهان که اروپایی‌ها، در جغرافیای سنتی دوران پیدایش سرمایه‌داری، آن را «شرق» نامیده‌اند و آن هم به سه منطقه تقسیم می‌شود: شرق نزدیک، شرق میانه و شرق دور. کشور ما ایران جزو کشورهای شرق میانه (یا خاورمیانه) است. در همین معنا، «غرب» یعنی اروپا و در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، برخی‌ها قاره آمریکا را شمالی را هم، که سابق «بنگی‌دنیا» نامیده می‌شد، جزو «غرب» حساب می‌کنند. کشور ما ایران جزو «غرب» که نیست، ولی آیا ما با گفتن «نه شرقی، نه غربی» می‌خواهیم بگوئیم که جزو کشورهای «شرق» هم نیستیم و ایران در شرق میانه قرار نگرفته است؟ البته نه! هیچ کس که جغرافیای ابتدایی را هم خوانده باشد، چنین چیزی نمی‌گوید.

معنای دیگر کلمه «شرق»، که قریب سی سال از پیدایش آن می‌گذرد، معنای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی آن است، و کسانی که در این معنی، این کلمه را استعمال می‌کنند، منظورشان کشور - های سوسیالیستی و سوسیالیسم است. در همین معنی، منظور از «غرب» نیز کشور - های امپریالیستی و امپریالیسم است و جان مطلب در این معنی است.

کسانی که در این معنای اخیر می‌گویند «نه شرقی، نه غربی»، اگر منظورشان این باشد که انقلاب ایران، که اسارت امپریالیسم را برانداخته و راه رشد سرمایه‌داری را محکوم کرده است، در عین حال انقلاب سوسیالیستی هم نبوده و جمهوری اسلامی ایران، کشور سوسیالیستی نیست - سخن درستی گفته‌اند. اگر منظورشان این باشد که کشور ما نباید به هیچ جای دنیا کوچکترین وابستگی داشته باشد و استقلال و آزادی کامل زندگی کند و راه رشد خود را خود انتخاب نماید - باز هم سخن درستی گفته‌اند.

ولی اگر گویندگان این شعار، منظورشان این باشد که از یک سو این «شرق» را همطراز این «غرب» معرفی کنند، یعنی سوسیالیسم را هم در کنار امپریالیسم بر کرسی اتهام بنشانند و برچهره، پاک سوسیالیسم غبار شک و شبهه بنشانند و دوستان ایران را در ردیف دشمنان جا دهند، و از سوی دیگر، هر گام انقلابی جمهوری اسلامی ایران را با برچسب «شرقی بودن» مورد تخطئه و تهمت و هجوگری و تهاجم قرار دهند - این گروه اشخاص بی‌شک مطلبی بر خلاف واقع گفته‌اند، که به سود انقلاب نیست.

اگر منظور گویندگان این عبارت و شعار این باشد که ما در جهان را بروی خود می‌بینیم، با هیچ کشوری هیچ ارتباطی نباید داشته باشیم، «خودکفایی» را به معنای یک اقتصاد در بسته و محدود در مرزهای جغرافیایی ایران تلقی می‌کنیم، اگر منظور این است که دستاوردهای دانش و فن بشری را نمانده می‌گیریم و خودمان همه چیز را از سر شروع می‌کنیم - منظور زیانبار و ناممکنی را تعقیب می‌کنند.

حقیقت امر این است که، رشد نیروهای مولد و انقلاب علمی و فنی در جهان، که بصورت طوفانی و با تصاعد هندسی به پیش می‌رود، کشورهای سرتاسر جهان را هر چه بیشتر به هم پیوند میدهد. امروز دیگر هیچ کشوری در جهان وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد که با دیگر کشورها ارتباطات وسیع سیاسی و اقتصادی و فنی و فرهنگی و غیره نداشته باشد. هیچ کشوری در جهان نمی‌تواند بدون خود دیوار بکشد و از روندی که در علم اقتصاد، تقسیم بین‌المللی کار و پیام پیوندی (انتگراسیون) اقتصادی و بین‌المللی شدن تولید نام دارد،

اقتصادی و فنی و فرهنگی و غیره نداشته باشد. هیچ کشوری در جهان نمی‌تواند بدون خود دیوار بکشد و از روندی که در علم اقتصاد، تقسیم بین‌المللی کار و پیام پیوندی (انتگراسیون) اقتصادی و بین‌المللی شدن تولید نام دارد،

می‌آید، مناسبات وابستگی و اسارت است، و مناسباتی که در داخل سیستم سوسیالیستی تقسیم بین‌المللی کار بوجود می‌آید، مناسبات همبستگی و آزادی است.

نوع سرمایه‌داری تقسیم بین‌المللی کار، «شعوب غربی» است و نوع سوسیالیستی تقسیم بین‌المللی کار، «شعوب شرقی» است. آن گمانیکه می‌گویند «نه شرقی، نه غربی» می‌توانند بگویند که نمی‌خواهیم نه داخل بازاری مشترک اروپا بشویم و نه داخل شورای همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی تا اینجا را می‌شود فهمید و قبول کرد، زیرا ممکن است چند کشور همانند ایران با هم جمع شوند و یک بازاری مشترک و با شعورای همیاری جداگانه خود را ایجاد کنند. ولی همین بازاری اروپا شورا هم بالاخره باید بر یکی از دو نوع اصول مذکور در فوق استوار باشد: یا بر اساس تحکم و یا بر اساس مساوات. یا بر اساس سوسیالیسم، یا وابستگی یا همبستگی و داوطلبی، یا...

میان این دو رشته اصول و مناسبات متضاد با هم، نوع سوم، یعنی یک چیزی که نه تحکم باشد و نه برابری، نه غارت باشد و نه سود متقابل، نه وابستگی باشد و نه همبستگی، نه برادری باشد و نه استقلال، و نه اجبار باشد و نه داوطلبی، اصولاً «متصور» نیست و امکان وجود ندارد.

ما که با انقلاب عظیم خود راه رشد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را به مثابه «متضاد» همه فلاکت‌های خلق خود برد و محکوم کرده‌ایم، می‌توانیم در حال حاضر کشور سوسیالیستی نباشیم که نیستیم می‌توانیم داخل سیستم سوسیالیستی تقسیم بین‌المللی کار نشویم، که داخل شده‌ایم، ولی نمی‌توانیم طرفدار اصل برابری، سود متقابل، همبستگی، استقلال، اصول داوطلبی و آزادی در انتخاب و غیره نباشیم. ما نمی‌توانیم و نباید

درباره «شرق» و «غرب»

این اصول درست و عادلانه و با کشورها و سیستم جهانی دیگری که بر مبنای این اصول درست و عادلانه قرار دارند، عبارت «شرق» بودنشان، خصومتی داشته باشیم، ما نمی‌توانیم و نباید ما گذاشتن «شرق» در کنار «غرب» نداشته‌کار می‌کنیم که اولاد با سرشت پاک انقلاب و نظم و انضاط مطلق نداشته باشد، ما آنها - با ناخشنود نا زوایر «شرق»، یک دشمن مبهم و بی‌ک هیولای خیالی برای خود بسازیم و از ترس این «دشمن و این «هیولا» و از ترس افتادن در «دام» آن، حتی از گام نهادن در روز روشن در راه روشن، احتیاط کنیم.

یک مثال ساده: شعار «نه شرقی، نه غربی» را، مثلاً، در زمینه ارضی و کشاورزی بیا آزمایشیم: زمین یا مال کسی است که روی آن کار می‌کند و یا مال کس دیگری است، که بیهانه مالکیت بر زمین، از کار دهقان بهره می‌گیرد و بخشی از محصول را می‌برد، مالکیت سومی وجود ندارد که دهقان هم مالک زمین که رویش زحمت میکشد، باشد و هم مالک آن نباشد.

یکی از وظایف حیاتی انقلاب مالکیت که زمین و محصول را زارع و اگزار در دست بزرگ مالک فاخر قرار گرفته و کند و به این ترتیب به خواست میلیونها دهقان تهیست پاسخ دهد.

آیا ما می‌توانیم این وظیفه حیاتی انقلاب را به انجام نرسانیم و به این نیاز مبرم ارتش عظیم انقلابی دهقان پاسخ نگوئیم، فقط به این دلیل که در کشورهای «شرقی» زمین بصورت مالکیت جمعی (دولتی و تعاونی) و یا مالکیت شخصی در تصرف خود کشاورزان قرار گرفته و کس دیگری به بهانه مالکیت زمین، دهقان را استثمار نمی‌کند؟

آیا ما می‌توانیم به سوی هدف انقلاب - انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان - مستضعفین علیه مستکبرین نیرویم، به این دلیل که مثلاً طبق شعار «نه شرقی» نباید زمین را به صورت مالکیت جمعی (مشاع) یا مالکیت خصوصی به دهقانان واگذار کنیم، و گرنه «شرقی» عمل کرده - ایم؟ به عبارت دیگر، مالکیت غصبانه و ظالمانه بزرگ مالکان را حفظ کنیم، مبادا ما را متهم کنند که گویا «شرقی» شده‌ایم؟

یک مثال دیگر در زمینه سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی: ما یا طرفدار استقلال خودمان هستیم و یا مخالف آن، یا طرفدار آزادی دیگر خلقها هستیم و یا مخالف آن، یا مخالف استعمار و امپریالیسم

هستیم و یا موافق آن، یا طرفدار صلح و امنیت جهانی هستیم و یا مخالف آن، شق ثالثی میان این دوش وجود ندارد و نمی‌توان وجود داشته باشد، کشورهای «شرقی» طرفدار اصول استقلال دیگر کشورها، آزادی دیگر خلقها، مخالف استعمار و امپریالیسم و طرفدار اصول صلح و امنیت جهانی هستند. حال در ارتباط با شعار «نه شرقی، نه غربی» تکلیف ما چیست؟ آیا باید برای اثبات «نه شرقی» بودن خود، در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی خود، با این اصول مخالف باشیم؟ آیا باید طرفداران استقلال خلقها و مخالفان آن، طرفداران آزادی امنیت خلقها و مخالفان آن، طرفداران صلح و سوسیالیسم و امپریالیسم را با هم در یک کفه ترازوی بگذاریم، هر دو را یکسان بگیریم و هر دو را طرفدار کنیم؟

مثال سوم: ما می‌خواهیم به محرومان ستمدیدگان و کوخ نشینان خدمت کنیم و خلق مستضعف و زحمتکش را در ارکان جامعه خود قرار دهیم آیا رواست که ما با افتادن در دام «نه شرقی، نه غربی»، با جوامع دیگری که قلمروا کمیت خلق زحمتکشند و لرزه بر اندام همه، غارتگران و مستکبران جهان انداخته‌اند، روابط همکارانه و دوستی مبتنی بر برابری و سود متقابل داشته باشیم؟ مثالهای بی‌شمار دیگری می‌توان آورد، در آغاز پیروزی انقلاب، که شعار «نه شرقی، نه غربی» مطرح شد، متأسفانه عده‌ای دانسته و عده‌ای ندانسته، این شعار را که اصولاً دارای معنای درست است، استقلال طلبانه است درستی تعبیر و تفسیر کردند، که عملاً بصورت شعار خصومت با جهان سوسیالیسم و نیروهای فدا می‌ریا لیستی جهان و خصومت با نیروهای چپ آسیل و پیروان سوسیالیسم علمی در داخل کشور درآمد، عده‌ای بخيال خود از این شعار زنجیری ساختند و بیای سیاست داخلی و خارجی ایران پیچیدند تا این سیاستها را در سر هر بزنگاهی فلاح و از توانائی ابتکار، حرکت و پیروزی محروم سازند.

استقلال و همبستگی - آری، و برادری و وابستگی - نه! کشور ما باید مستقل باشد راه زندگی خود را خود تعیین کند، مالک بر دختا و فرهنگ و سرنوشت خود باشد، ولی خلق ما جزو لایتجزای خانواده بزرگ بشری است و ما باید بدون ترس از هجوگری و تاشنا زحمتکش، مقام و الوای خود را در جهانی که سرعت بسوی رفاهتی و سعادت واقعی انسانها می‌رود، اجرا کنیم.

با تاسی بر سرشت فدا می‌ریا لیستی و خلقی مولود این انقلاب، ما اطمینان داریم که حکومت انقلاب، چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی، بصورت مستضعف و زحمتکش و چه در سیاست خارجی بصورت استقلال و برابری جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر اراده و پشتیبانی قاطع توده‌های زحمتکش و انقلابی، راه تاریخی خود را با رشادت ادامه خواهد داد و به پیروزی و افتخارات بی‌مانند در تاریخ ایران دست خواهد یافت.

با وضع سیاسی کشور...

بقیه از صفحه ۴

توده‌های است. در این کسره، بویژه می‌گوئیم نام مردم رابیح کنیم و آنها را متحد سازیم. ولی در مناطق پارتیزانی، شکل اصلی مبارزه، پیکار مسلحانه است و اشکال دیگر جنبه فرعی دارد. و طبیعتاً هنگامی که جنبش (سرد) مسلحانه به اوج خود برسد و از پشتیبانی تعیین کننده خلق برخوردار شود، به شکل اساسی مبارزه در سراسر کشور مبدل خواهد گردید.

در حالی که «الن» نیز استراتژی همانند استازان کرده است و به گفته خود دوش به دوش «مهم دوستانی» خواهد زد، که در جنبه‌های گوناگون به مبارزه مشغولند. «اهل» (ماتریستی) پیکار مسلحانه را مطلق می‌شمرد و آنرا تنها راه دست‌یابی به آزادی می‌خواند. گوشه‌هایی که در راه وحدت سازمان‌های چریکی به عمل آمده، تا کنون با موفقیت قابل ملاحظه‌ای همراه نبوده است. لیکن در پنج سال اخیر چندین بار مذاکره‌ای میان «فارک» و «الن» صورت گرفته است.

یکی دیگر از سازمان‌های پارتیزانی «جنبش» ۱۹ آوریل است، که شش سال پیش تأسیس یافت. این جنبش نیز، که ایدئولوژی آن ناسیونالیسم رادیکال - دمکراتیک است، مبارزه مسلحانه را تنها راه پیکار علیه رژیم قلمداد می‌کند. جنبش ۱۹ آوریل در زمستان سال گذشته، با اشغال سفارت جمهوری دومینیک در بوکوتاکوستدا به خیال خود رژیم را به آزادی زندانیان سیاسی وادار سازد. اقدام تروریستی نامبرده را همه احزاب و سازمان‌های متشکل در «جنبه دمکراتیک» و «فرس» محکوم کردند.

چنین می‌نماید که جنبش انقلابی، ضد امپریالیستی و دمکراتیک کمپا در مبارزه خود برای احراز قدرت راهی سن دشوار در پیش دارد. هدف بلاواسطه این جنبش در دوران کنونی آن است که با پیکار همه جانبه خویش، به گرایش به راست و استعمار دهنش‌ترای زحمتکشان آن کشور پایان بخشد.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، چندتن از نمایندگان درباره مسائل و مشکلات مملکت سخن گفتند.

در آغاز این جلسه، نصیری لاری بعنوان اولین ناطق پیش از دستور، در مورد مشکلات مملکت سخن گفت و ضمن تاکید بر اینکه این مشکلات یادگار سیاه دوران رژیم گذشته است، به تشریح وضع لارستان پرداخت و اظهار داشت: «منطقه لارستان از نظر محرومیت بعد از سیستان و بلوچستان... قرار دارد»

او آنگاه به تشریح وضع این منطقه پرداخت و سپس افزود:

در جلسه علنی دیروز مجلس، یکی از نمایندگان خطاب به تفرقه افکنان گفت:

مگر نمی بینید که استکبار جهانی و شیاطین بین المللی و ارتجاع منطقه ای در برابر ما ایستاده اند؟

پشت دوستان نادان گذرگاه دشمنان شده است

★ مجلس ماده ۲ طرح قانونی اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی را تصویب کرد

پشت شما پلی است که ستون پنجم دشمن از آن عبور می کند. ما تازه فهمیده ایم خانه ای فاسد فریاد می زند! این قه به ریش آنهایی است که این می گویند. خجالت بکشید گاهی پشت آدم پلی می شود که قاچاقچی ها، ساواکرها... از روی آن عبور می کنند و دولتمردان می دانند همانها که امروز می گویند «حاجت می کشیم» او را اقتصاددان آمریکایی می دانستند. هشیار باشید»

او در مورد تخصص گفت: «هر چه مکتبی می داند که تخصص چیست. چرا دیگر تهران بیمارانی نمی شود؟ آنها که در جنوب افتخار می آفرینند، همان متخصصین مکتبی هستند»

نماینده کرج سپس به تشریح وضع این منطقه پرداخت و با تاکید بر اینکه کرج ۶۰۰ هزار جمعیت دارد، خواستار رسیدگی به وضع این شهر شد.

پس از پایان سخنان پیش از دستور، مجلس وارد دستور شد و ماده ۲ طرح قانونی اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی مورد بحث قرار گرفت. قبل از شروع بحث، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد سالگرد شهادت مدرس سخنانی ایراد کرد و در باب شخصیت وی سخن گفت. او از جمله گفت:

«خواندن تاریخ نشان می دهد که روحانیت چه نقشی در ایران داشته اند و چه گاتی علیه آن مبارزه کرده اند»

آنگاه در مورد ماده ۲ طرح قانونی اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی بحث شد و پس از سخنان چند موافق و مخالف، در مورد آن رای گیری بعمل آمد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید.

بر اساس این ماده، که اختصاص به انتخاب نمایندگان قوای مقننه، قضائیه و مجریه دارد، نماینده قوه مجریه در شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، با رای رئیس جمهور، نخست وزیر و اکثریت وزیران، که هر کدام یک رای دارند، انتخاب می شود. قسمت های دیگر این ماده، در مورد انتخاب نمایندگان قوای مقننه و قضائیه، پیش از این تصویب شده بود. جلسه بعدی مجلس شورای اسلامی امروز تشکیل می شود.

مقام دیگر و آیا مقامی باید برای بقیه انتخابات تبلیغ کند؟

سخنران مزبور سپس در مورد وضع مسکن، جنگال تخصص، لوائح شورای انقلاب، حمله ناگهانی به روحانیت و... سؤال کرد و افزود: «آیا ما اجرای اول کن با یا اسدالله» که مقدمه بازگشت آمریکا و کودتای ۲۸ مرداد است، تکرار نمی شود؟ آیا کسی که مجلس را می گویند دولت را می گویند... در همان خط پدپ پ نیست و این جاه طلبی نیست؟ آیا این بحث آزاد است یا فحش آزادی؟

او آنگاه به تشنج طبیعی در مجالس کشور- های دیگر اشاره کرد و خواستار پختن جریان مجلس از تلویزیون شد. ناطق سپس گفت:

«از من می پرسند آیا طرح اداره رادیو و تلویزیون را بگونه ای نوشید که فقط به نفع عده ای باشد؟ جواب این است، که این تهمت و دروغ است.»

شجونی سپس در مورد «دوستان نادان» سخن گفت و تاکید کرد که:

«پشت این دوستان گذرگاه دشمنان شده است.»

وی سپس به «روحانیت مبارزه» هشدار داد که:

«بپوش باشند، زیرا سیاستمداران سازشکار می خواهند جای آنها را بگیرند.»

او همچنین گفت: «متأسفانه دوستانی هم هستند که برای امام جانشین درست می کنند»

جهانی و شیاطین بین المللی و ارتجاع منطقه ای همه در یک شبکه گسترده در برابر ما ایستاده اند؟ این کارها برای چیست؟ و همین جا خطاب می کنم به آنها که خود را فرزند امام میدانند... این چه کاریست، مگر عقل از آنها سلب شده است که این چنین برخلاف خط و هدف، در راه تفرقه افکنی می ریزند؟

دومین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، شجونی، نماینده کرج، بود که ضمن تائید سخنان ناطق قبلی اظهار داشت:

«برای من سئوالات بسیاری مطرح است و برای جامعه هم مطرح است. من فهرست وار این سئوالات را می گویم:

۱- چرا ارتش ایران بعد از آنکه می دانست مدت یکسال است عراق در صدد جنگ است، به ارتش مزدور عراق اجازه داد ۶۰ کیلومتر جلو بیاید و سر راه خود حتی یک مین نیندازد؟

۲- آیا جنگال های سیاسی، جلو انداختن جنگ بعد از جنگ نیست؟

۳- چرا وقتی امام از یک سخنرانی واجتماع می نالد، دیگران از آن اجتناب و جریاید حمایت می کنند و به هشدار امام بی توجهند. آیا این بی حرمتی به امام نیست؟

۴- چرا وقتی امام گروهانگیری را انقلاب بعد از انقلاب می داند، عده ای صریحاً این کار را می گویند و چنین موضعی می گیرند؟

۵- آیا انتخابات با وزارت کشور است یا با

«روحانیت»، این قلب طینده انقلاب را هدف گرفته اند، از داخل و خارج. شبکه ای ماهرانه از داخل و خارج روحانیت را هدف گرفته اند، هر چند این قلب روئین است.»

مسئله دیگری که نصیری لاری به آن اشاره کرد، تمهد و تخصص بود. او در این مورد گفت: «تخصص را به صورت مسئله روز در آورده اند، تا آنجا که حتی یکی از فضلا، که البته شاید نقشی درجه چندم در انقلاب داشته، در روزنامه می نویسد: «به من گفتند به جای تخصص بگو کاردان! و مگر نه چنین و چنان.»

کدام عاقلی متکر تخصص است؟ این چه وضعی است که در آورده اند؟ تمام اسلام و اجتهاد بر اساس تخصص است! این چه بازی است که در آورده اند... متخصص متعدد جایش روی چشم است. مسئله این است که اگر امر دایر شود بر اینکه ناگزیر باشیم از متخصص بگردیم یا غیر- متخصص دیندار یکی را استفاده کنیم، عقل می گوید دومی را برگزینیم زیرا چون دزدی یا چراغ آید گزیده تر برد کالا».

ناطق افزود: «و اما گروه ها، فردها و اندیشه ها و وسیله تشخیص آن... هیچکس نیست در داخل و خارج از دوست و دشمن که بتواند بگوید که میزان و معیاری دقیقتر و سزاوارتر برای تشخیص حق و باطل از امام خمینی داریم. همه را با او می سنجیم. هرکس بر او منطبق است، حق است و مگر نه باطل است.»

وی سپس گفت: «و اما در مورد اختلافات احتمالی و راه رفع آن... مگر نمی بینید که استکبار

جلو گیری از...

بقیه از صفحه ۱

همه می بینند و باز سنگین اعمال تخریبی آنها را احساس می کنند. مسئولان و زمامداران تمهید نیز از موجودیت این اقتدار غارتگر ضد انقلابی و اعمال خائنانه بر انداز آنها اطلاع دارند و تاکنون مطالب زیادی هم در فضای آنها و لزوم مبارزه با آنها گفته اند و اقداماتی هم انجام داده اند. ولی باید با تمام صراحت بگوئیم که این اقدامات ضد احتکار، و ضد گرانی، در ضمن اهمیت مثبتی که دارد، اصلاً کافی نیست و با آن اقدامات بنیادی که باید بشود، فرسنگها فاصله دارد.

آنچه تاکنون در مبارزه علیه اقتدار احتکار آفرین و گرانی - آفرین گفته شده و یا انجام گرفته، فقط قسمت جزئی از میدان فعالیت مخرب آنها را بطور جدی دربر گرفته و اصل کار بر روی امید «آدم شدن» این اقتدار نهاده شده است. مثلاً، فلان مسئول توصیه کرده است که اگر مشتری دبا تیسیم داخل دکان شود، دل صاحب دکان «ترم خواهد شد» و دیگر مثلاً سیکاری راه که تا یکسال قبل ۵ تومان بوده، امروز به قیمت ۲۵ تومان به او نخواهد فروخت! و یک مسئول دیگر مثلاً میگوید: ما که نمی توانیم بالای سر هر محتکری یک مامور بگذاریم! مسئول سوم معتقد است که خرابی کار از آنجا ناشی میشود که این محتکران خود نمی دانند که احتکار بد است و «اگر حالیان کتنه، دیگر این کار را نخواهند کرد!» ولی با وجود همه این توصیه ها

و امیدواریها، احتکار و گرانی چهارنعل به پیش می تازد، زیرا که مسئله، مسئله «تیسیم» و «ترم» شدن و «حالی کردن» نیست و واقعا بالای سر هر محتکری هم نمی شود یک مامور گذاشت. مسئله، مسئله طبقاتی و قوانین معینی سرمایه داری است.

سرمایه داران وابسته و یازرگانان بزرگ و محتکران فقط شناسنامه شان ایرانیست، و الا وطنشان در همان حسابهای بانکی است که در داخل و خارج ذخیره کرده اند و مسلکشان بر دور زر و زور و تزویج چرخ میزند.

البته در کشور ما، هزارها سرمایه دار غیر وابسته و وطن دوست و صد ها هزار پیشه ور و دکاندان کاسب شریف و منصف وجود دارد، که باید بر رونق عادلانه و انسانی کار و کسبشان کمک کرد. روی سخن ما اصلاً با این اقتدار مبین دوست و شریف نیست. روی سخن ما با سرمایه داری وابسته ایران و دلان و عمال غارت آنهاست که با زور و هست و نیست مملکت را در دست خود قیض کرده اند و از سوئی خون مردم زحمتکش را می مکند و از سوی دیگر تیشه بر ریشه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میزنند.

در دوران طاغوت، حکومت در دست خود این زالوها قرار داشت. آنها گرانی ایجاد میکردند و ثروت های کلان می اندوختند، ولی مأموران طاغوت، بقالان سرگذر را بعنوان «گران فروش» یشلاق می بستند، که هم تظاهر به «مردمداری» کرده باشند و هم طبقه طاغوتی را از زیر ضربت در آورند.

مرگ این گرگ خونخوار را هم قانون اساسی ایران بیروستی معین کرده است.

بطور مشخص، چه باید کرد؟ اولاً باید بازرگانی خارجی صد درصد ملی شود، یعنی باید هم نوع و هم مقدار همه کالا های وارداتی را خود دولت مطابق با نیازمندیهای کشوری که میخواهد مستقل و سر بلند باشد و روی پای خود بایستد، تعیین کند. باید خود دولت کالاها را وارد کند.

ثانیاً - دولت باید بموازات شبکه عمده فروشی و خرده فروشی خصوصی، که موجود است، یک شبکه وسیع عمده فروشی و خرده فروشی دولتی و تعاونی ایجاد کند. این شبکه دولتی و تعاونی باید بطور مداوم گسترش یابد و شبکه خصوصی بویژه در عمده فروشی هر چه محدودتر شود.

ثالثاً - باید تعداد واسطه ها را از زمانی که کالا تولید میشود تا به مصرف کننده میرسد، حداقل رسانید، یعنی تولید کننده خارجی کالای خود را فقط بدولت می-فروشد و دولت آنرا بوسیله عمده فروشیهای دولتی و تعاونی در اختیار خرده فروشیهای دولتی و تعاونی و خصوصی قرار میدهد و از آنها هم مستقیماً به مصرف کننده میرسد. تولید کننده داخلی هم کالای خود را هم بدولت و هم به عمده فروش تعاونی و هم به خصوصی می فروشد و اینان آنرا به خرده فروشی می دهند تا در میان مصرف کنندگان توزیع شود. دیگر جایی برای دلالت و دستها و واسطه های سودجو و خون آشام، نباید وجود داشته باشد.

هم اصول عدالت و هم منافع انقلاب و استقلال کشور ما - ملید که به مسائل مذکور در فوق توجه فوری و لازم بعمل آید. نباید در انتظار آدب شدن مغارتگران نشست و شاهد مکیده شدن خون مجروحان و زحمتکشان بود که هزاران سال است خونشان را می مکند و امروز با هزاران امید در زیر پرچم انقلاب هستی خود را بر طبق اخلاص نهاده اند.

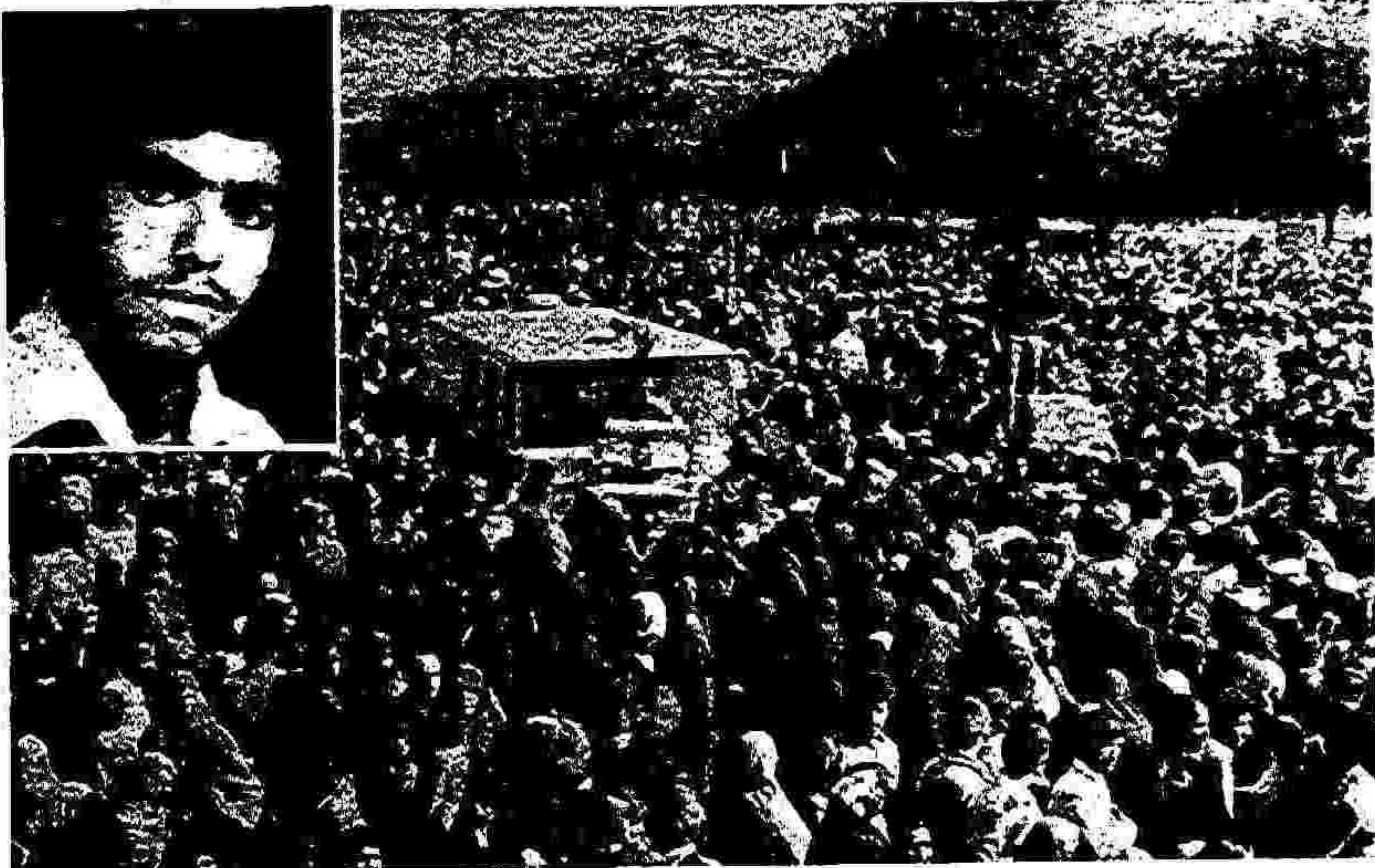
این هفته در نامه مردم، بزبان کردی میخوانید:

- شکست صدام قلمی است، اما جنگ با آمریکا ادامه خواهد داشت.
- تسبیح جنازه ۲۱ سرباز شهید، بر دوش مردم - تا متجاوز در خاک ماست، مذاکره امکان ندارد.
- افزایش بی رویه قیمتبها نتیجه اقتدار سرمایه داران وابسته بازار است.
- مردم در تظاهرات ضد - امپریالیستی سقر شمار می دادند: کردستان، گورستان مزدوران بعث عراق می شود
- اطلاعیه سباه پاسداران سیستان و بلوچستان:
- اداره جاسوسی ضیاعالحق ه بزشک را که برای کمک به مجروحان جنگ به ایران می- آمدند دستگیر کرده و روانه شکنجه گاه نمود.
- توطئه قاسملو و بالیزیان برای حمله به کردستان
- اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (بیرو کنگره چهارم):
- رطبقه مردم کردستان، بیرون راندن و سرکوب خاتنان به انقلاب ایران است.
- اصطلاحات سیاسی، شعر

نامه مردم، بزبان کردی هر هفته سه شنبه ها منتشر می شود

پیکر گلگون رفیق شهید حجت ذوالفقاری همراه با ۶ شهید دیگر خلق، در شیراز بر شانه‌های خلق تشییع شد

★ مردم شیراز در مراسم تشییع جنازه شهید، که با حضور دسته موزیک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شد، فریاد می‌زدند:
- آمریکا دشمن ماست، خمینی رهبر ماست!



تبدیل می‌کرد. این صدای حجت بود:

اگر مردم، گریه نکنند، نه گریه نکنند، من به راه خلتیم، به راه حزب، به راه وطن میروم. گریه نکنند، راه مرا ادامه دهید. وقتی پیکر خونین شهید را در قطعه شهیدای گورستان شیراز بخاک می‌سپردند، هم‌زمان او زندگینامه کوتاه رفیق قهرمان را برای حاضران چنین تصویر کردند:

«رفیق قهرمان، حجت ذوالفقاری در ۲۹ خرداد ۱۳۳۹، در یک خانواده کارگری در آبادان به دنیا آمد. پدرش گفتگر بود. او در سال ۱۳۵۷ به حزب توده ایران پیوست و در سال ۱۳۵۸ به شیراز رفت. رفیق حجت عضو کمیسیون کارگری حزب بود. به سوادآموزی در کارخانه‌ها و فروش تشریه می‌پرداخت. او بعد از آغاز جنگ، بدنبال فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، بلافاصله به جبهه خونین شهر رفت. از اولین روزهای نبرد در سنگر بود و تنها یک بار برای چند روز به شیراز بازگشت و باز به جبهه رفت. رفیق قهرمان روز ۲۹ آبان، هنگام رساندن یک مجروح مسلمان به بیمارستان، مجروح شد. در همان لحظات اول گلوله دشمن یک دستش را قطع کرد. او در حالیکه سراپا در آتش و خون غرق بود، فریاد می‌زد:

زنده‌باد حزب توده ایران! در بیمارستان هم یک لحظه فریاد خروشان او قطع نمی‌شد: زنده‌باد حزب طبقه کارگر ایران!

رفیق شهید در شب آخر حیات کوتاه و پربارش، به مادر خود گفت:

«من از مرگ نمی‌ترسم. اگر مردم، گریه نکنند، سیاه نپوشید. خوشحال باشید. راه مرا، که همان راه حزب من است، ادامه دهید.»

و رفیق قهرمان، سرانجام، در سحرگاه سوم آبان ۱۳۵۹، جان خویش را نثار انقلاب کرد.»

را نثار رهائی وطن می‌کنند، چه حجت ذوالفقاری توده‌ای باشند و چه سرباز کاردانی مسلمان، شهیدای خلقند.

تشییع جنازه ۷ شهید راه وطن از شاهچراغ شیراز آغاز شد. انبوهی از مردم در این مراسم شرکت داشتند و جنازه شهید را که در پرچم ایران پوشانده شده بود، بر شانه‌های خویش می‌بردند. پیکر خونین رفیق قهرمان، شهید توده‌ای، حجت ذوالفقاری، پیشاپیش در حرکت بود و چون دیگر شهیدان، در پرچم ایران پوشانده شده بود. تاج گل بزرگی در جلوی جنازه شهید حرکت داده می‌شد، که بر سینه آن، تصویر بزرگی از رفیق شهید دیده می‌شد. چشمان رفیق شهید از عشق به انقلاب و وطن شعله می‌کشید و بسا نگاهی، که شقایق و خورشید بود، با خلقی که جان خویش را نثارشان کرده و پوای می‌زدند:

این گل پیر ماست، خمینی رهبر ماست

هزاران دست بر تابوت گل و کلاب می‌ریخت. صدای توفانی خلق یکدم خاموش نمی‌شد:

این سند جنایت امریکاست بی‌زنان می‌گریستند و اشک و شماردهم آمیخت. این خروش خلق قهرمانی بود که هزاران شقایق خونین را نثار انقلاب کرده بود:

آمریکا دشمن ماست، خمینی رهبر ماست

پیشاپیش پیکر گلگون تو - شقایق خونین توده‌ای، خانواده او در حرکت بودند، پدر زحمت‌کش رفیق حجت، یا سری‌افراشته گام بر میداشت و در نگاهش، حجت بسوی خورشید بر می‌کشید. برادران هم‌روز حجت با قامت‌های استوار حرکت می‌کردند. خواهر رفیق شهید فریاد می‌زد و خلق پاسخش میداد:

برادر قهرمان، راحت ادامه‌دارد اشک در چشمانشان تاب می‌خورد، اما فرو نمی‌ریخت. نیروی شکستی اشک را به گل لبخند

پیکر گلگون رفیق قهرمان، شهید توده‌ای، حجت ذوالفقاری، همراه با پیکر خونین سرباز وطنی، شهید کاردانی و شهید دیگری، در زادگاهشان شیراز، بر شانه‌های خلق تشییع شد. در این تشییع جنازه رسمی، دسته موزیک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شرکت داشتند. روز جمعه سه آبان ۵۹ مردم شیراز، پیکر گلگون ۷ شهید را بر شانه‌های خویش تشییع کردند و نشان دادند که جانبازان راه انقلاب، آنها که جان خویش

تلاش امپریالیسم امریکا برای تشکیل یک پیمان نظامی تجاوز کار جدید در منطقه خلیج فارس

دستیاری رژیم ضد خلقی عربستان سعودی و دیگر رژیم‌های دست‌نشانده

پیمان نظامی تجاوز کار ستو که در نتیجه پیروزی تاریخی انقلاب شکوهمند مردم ایران فروپاشید، ضربه جبران‌ناپذیری به نقشه‌های نظامی - استراتژیکی امپریالیسم امریکا در این منطقه وارد ساخت. با پیروزی انقلاب ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی که در نتیجه آن امپریالیسم امریکا بزرگترین پایگاه نظامی خود را در ایران، از دست داد، در تناسب نیروها در این منطقه از جهان بنبغ نیروهای استقلال‌طلب و ضد امپریالیستی و بزبان نیروهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم تفسیری بنیادی روی داد. بی‌آمدهای این تفسیر بنیادی می‌تواند به سلطه امپریالیسم امریکا و رژیم‌های ضد خلقی و وابسته به آن در این منطقه پایان بخشد و موقعیت و مواضع نظامی - استراتژیکی جهانی امپریالیسم را به‌تعمیر جهانی یا شکست‌های جبران‌ناپذیر تازه‌ای مواجه سازد.

از سوی دیگر جنایت رژیم سادات به منافع خلقهای عرب و سیاست تسلیم‌طلبانه وی در برابر امپریالیسم امریکا و اسرائیل که به امضای موافقت‌نامه‌های کمپدیوید منجر گردید، موجب تشکیل جبهه پایداری کشورهای عربی در برابر تجاوز اسرائیل و نقشه‌های توسعه طلبانه آن و امپریالیسم امریکا شد. امپریالیسم امریکا پس از تحمیل موافقت‌نامه‌های کمپدیوید، تلاش نمود به کمک رژیم سادات و دیگر رژیم‌های ضد خلقی و دست‌نشانده خود در این منطقه در مقابل جبهه پایداری و دیگر رژیم‌های تشکیل دهنده اما تلاشهای امریکا در این نظامی تجاوز کار جدیدی تشکیل دهد اما تلاشهای امریکا در این زمینه ناموفق ماند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند در مین ما وزارت دفاع امریکا به بهانه دفاع از منافع ایالات متحد امریکا و در واقع با هدف تهدید و مداخله نظامی و تجاوز به جمهوری اسلامی ایران به تدارکات جنگی برنامه‌های در این منطقه پرداخت و واحدهای بزرگی از نیروی دریایی و هوایی و ناوگان جنگی و ناوهای هواپیمابر خود را به این منطقه گسیل داشت و در آبهای خلیج فارس و تنگه هرمز و مناطق نزدیک به سواحل ایران متمرکز نمود. این نیروهای بی‌سابقه نظامی امپریالیسم امریکا نه تنها انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بلکه امنیت و استقلال دیگر کشورهای مستقل را در این منطقه تهدید می‌کند.

اینکه که توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یکی پس از دیگری با شکست فضاخت بازویرو گردیده، و تجاوز نظامی خائنانه رژیم صدام جنایتکار که به تحریک و توطئه امپریالیسم امریکا انجام گرفته، در نتیجه مقاومت و فداکاریهای قهرمانانه مردم مین ما دورنمای شکست قطعی نقشه‌های این رژیم خیانت‌پیشه را نمایان می‌سازد. فرماندهان نظامی امریکادردرآمد پذیر آمده‌اند، طرح ایجاد پیمان نظامی تجاوزی در این منطقه را، این بار به دستگیری عربستان سعودی و دیگر حکام سرسپرده امریکا عملی سازند. شاهزاده نایف بن عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان سعودی اعلام کرد، قرار است عربستان سعودی با پنج شیخ‌نشین خلیج فارس برای تضمین امنیت و ثبات منطقه (!) یک موافقت‌نامه امنیتی امضاء نمایند. وزیر دفاع عربستان سعودی که اکنون از کشورهای منطقه خلیج فارس دیدن میکند و با سران این کشورها مسئله جنگ عراق و ایران و اثرات آن بر امنیت منطقه را مورد بررسی قرار میدهد، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی اظهار داشت موافقت‌نامه‌های امنیتی با کویت، بحرین، قطر، امارات متحد و سلطان‌نشین عمان امضاء خواهد شد.

بدون تردید اظهارات وزیر دفاع عربستان سعودی و دیدار وی از کشورهای منطقه خلیج فارس اجرای ماموریتی است که از جانب کاتخ سفید و وزارت دفاع امریکا برعهده رژیم عربستان سعودی برای تدارک مقدمات تشکیل پیمان نظامی جدید امریکا در این منطقه گذارده شده‌است. اظهارات «بین» در یاسالار امریکائی در این زمینه این مطلب را بخوبی روشن میکند. در یاسالار امریکائی اظهار داشت هیچ چیز مانع آن نیست که در این منطقه (منطقه خلیج فارس) یک سازمان نظامی و سیاسی در همان سطح و با همان نفوذی که پیمان ناتو دارد، تشکیل شود. وی افزود منافع استراتژیکی امریکا ایجاب میکند که در اقیانوس هند یک ناوگان دریایی برای استقرار دائمی ایجاد نماید.

بدین ترتیب روشن میشود که وزیر دفاع عربستان سعودی و در یاسالار امریکائی هر دو درباره یک مطلب سخن می‌گویند و آن اینکه ایالات متحد امریکا بدنبال گسترش تدارکات جنگی و توسعه حضور نظامی خود در این منطقه درصدد تشکیل یک پیمان نظامی تجاوز کار جدید در این منطقه است که تمام رژیم‌های ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم امریکا در آن شرکت داشته باشند و هدف این پیمان دفاع از منافع سیاسی و اقتصادی و نظامی امریکا و ستیزه‌جویی و توطئه و تجاوز علیه رژیم‌های مستقل ملی و جنبشهای رهائی‌بخش خلقها در این منطقه باشد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



حزب کمونیست پر تقال
برای حفظ دستاوردهای
انقلاب تلاش می‌کند

در اجتماع بزرگی که از طرف حزب کمونیست پر تقال در لیسین برپا شد، آوارو کونیال رهبر حزب کمونیست پر تقال همچنین کارلوش بریتو نامزد این حزب برای انتخابات ریاست جمهوری کشور سخنرانی کردند. کونیال در سخنانش از جمله گفت: «مهمترین وظیفه نیروهای دمکراتیک کشور شکست ژنرال سوارش - کارنیرو نامزد گروههای حاکم راست است.» کونیال گفت: پیروزی ژنرال رامالو اینتر رئیس جمهوری کوی می‌تواند شکستی برای راستگرایان باشد و تلاشهای گروههای حاکم راستگرا را برای از بین بردن دستاوردهای انقلاب و روند دمکراسی سد کند. کونیال افزود: «ایش در جهت برنامه‌های خود، برای حفظ دستاوردهای انقلاب و قانون اساسی بطور نسبی تلاش کرده است.»

کارلوش بریتو نماینده حزب کمونیست پر تقال نیز در سخنان خود از جمله گفت: «حزب کمونیست باین دلیل نامزد انتخاباتی معرفی کرده است تا در مبارزه شرکت کرده و مسائل را برای مردم تشریح نماید و افکار عمومی را برای شکست کند. بریتو گفت: شکست ژنرال کارنیرو از اهمیت درجه اول برخوردار است زیرا کارنیرو با فاشیست‌ها علیه نیروهای انقلابی همکاری کرده است.»

کمک مالی
به حزب توده
ایران یک وظیفه
انقلابی است

- کاوه کریم ۱۰۰۰۰ ریال
- خانم کوکب یکسکه رمی
- ندا کوچولو ۱۰۰۰۰ ریال
- جدی از انگلستان ۲۲۱۰۰ ریال
- تشریاتی پیک ایران ۱۵۰۰۰ ریال
- سازمان یانه ۵۰۰۰۰ ریال
- آموزگار ۳۰۰۰ ریال
- بهدخت از جنوب ۱۰۰۰۰ ریال
- خسرو رضائی از سوئد
- م. ا. از سوئد ۳۸۰۰ ریال
- بهرام کازگر راد آهن ۱۲۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بخصاب یانکی به نام تقی کرمنش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بپردازند.

شماره ۷ دنیا
ضمیمه
نامه مردم
انتشار یافت

نامه مردم
از گمان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیژادی
خیابان ۱۱ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH
MARDOM
No. 384
2 December 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران